

جایگاه کتابخانه‌های عمومی در جامعه دانشی محور در بیست و هفتمین نشست «کتاب ماه کلیات»

شرکت کنندگان:

۱. آقای محسن حاجی‌زین‌العابدینی:
دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز



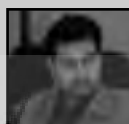
۲. آقای سیدکاظم حافظیان‌رضوی:
مدیرکل مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی (دبیر جلسه)



۳. آقای دکتر عباس حرّی:
استاد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران



۴. آقای فرزاد دادرسی:
کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی



۵. آقای دکتر علی رادمهر:
معاون مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی



۶. آقای مهندس علی اصغر رهنما فرد:
مدیرعامل شرکت گسترش اندیشه پویا و مجری طرح توسعه فناوری در
کتابخانه‌های عمومی



۷. خانم طیبه شهیمیرزادی:
مدیر گروه فراهم‌آوری و نیازشناسی و مدرس دانشگاه



۸. خانم نسرین دخت عمادخراسانی:
مشاور امور کتابداری و اطلاع‌رسانی



۹. خانم لیلا مکتبی فرد:
دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز



۱۰. آقای مهندس حسین ملک‌احمدی:
دبیرکل هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور



۱۱. آقای دکتر مهرداد نیک‌نام:
عضو هیأت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



۱۲. آقای مهندس ابوالفضل هاشمی:
مسئول اداره کتابخانه‌های مساجد کشور



سرفصل‌های میزگرد:

۱. فناوری اطلاعات و ارتباطات و کتابخانه‌های عمومی
۲. دولت و کتابخانه‌های عمومی در ایران
۳. مدیریت کتابخانه‌های عمومی: مردم یا دولت



حری:

به جامعه‌ای دانایی‌محور
اطلاق می‌کنیم که تا
لایه‌های پایین آن
گرایش به دانش، نیاز به
دانش و کسب معرفت
احساس بشود و یا شهید
داشتن معرفت نسبت به
مسائل پیرامونی به آن‌ها
چشانده شود

حافظیان رضوی: بیست و هفتمین نشست کتاب ماه کلیات، به بحث «جایگاه کتابخانه‌های عمومی در جامعه دانایی‌محور، کتابخانه‌های عمومی ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها» اختصاص یافته است. با توجه به اینکه مدتی است کتابخانه‌های عمومی کشور در برنامه چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفته است و از آنجایی که کتابخانه‌های عمومی در جامعه دانایی‌محور دارای جایگاه ویژه‌ای است، از این رو بررسی همه جانبه آن ضروری است.

بدین منظور از مسؤولان و دست‌اندرکاران کتابخانه‌های عمومی کشور و اساتید محترم کتابداری و اطلاع‌رسانی دعوت بعمل آمد تا با نظرات آنان در این زمینه بیشتر آشنا شویم. خوشبختانه عزیزانی که در این نشست حضور دارند با دو طرح مهم در حوزه کتابخانه‌های عمومی مرتبط هستند. نخست «طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور» و دیگری «طرح جامع توسعه فناوری و ارتباطات در کتابخانه‌های عمومی». امید است با مطالبی که در این نشست مطرح می‌شود به راهکارها و نکات قابل توجهی دست پیدا کنیم.

در آغاز از استاد محترم جناب دکتر حری خواهش می‌کنم کتابخانه عمومی و جایگاه آن را معرفی کنند و در مورد نقش آن در جامعه توضیحاتی ارائه فرمایند.

حری: برای جواب از محور بحث که همان جامعه دانایی‌محور که نام دیگر جامعه اطلاعاتی است، استفاده می‌کنم. همه عزیزان می‌دانند که یک کتاب کاملاً شناخته شده در ایران با عنوان نظریه‌های جامعه اطلاعاتی از فرانک وبستر با دو ترجمه منتشر شده است. در این کتاب برای جامعه اطلاعاتی ۵ مشخصه را ذکر می‌کند که اگر اینها کلاً و یا بعضاً در یک جامعه‌ای حضور داشته باشند آن جامعه یک جامعه اطلاعاتی تلقی می‌شود.

جامعه دانایی‌محور و اطلاعاتی مانند یکدیگرند و به جای هم به کار می‌روند، ولی دانایی‌محور نسبت به جامعه اطلاعاتی متأخرتر است. در واقع معتقدم که جامعه دانایی‌محور می‌تواند مشخصه ششمی داشته باشد و آن این است که علم در انحصار قشر خاصی نباشد. یعنی به جامعه‌ای دانایی‌محور اطلاق می‌کنیم که تا لایه‌های پایین آن گرایش به دانش، نیاز به دانش و کسب معرفت احساس بشود و یا شهید داشتن معرفت نسبت به مسائل پیرامونی به آن‌ها چشانده شود. اگر شما این امر را در نهادهای اجتماعی‌ای که وظیفه اشاعه دانش را دارند بررسی کنید، متوجه می‌شوید دو نهاد در این قضیه دخیل اند نخست نهادی که در آن مبنای سنی مطرح است و آن مدارس می‌باشد که دانش را از مقاطع پایین‌تر گسترش می‌دهند و منظور از این دانش دانشی نیست که از طریق متون درسی و بوسیله معلم منتقل می‌شود، بلکه در یک چنین جامعه‌ای کتاب درسی و معلم نقش راهبر را دارند و باید مسیر گسترده دانش را برای آنان هموار و ترسیم کنند و آن‌ها را وادارند که



حزّی:
یکی از حقوقی که
یونسکو برای جوامع قائل
است حق دانستن است
که تحقق آن را
کتابخانه‌های عمومی
برعهده دارند

نقص توجه به
دانش‌ورزی اساساً در
جامعه سبب می‌شود که
کتابخانه‌های عمومی
چندان رونقی نداشته
باشند. من معتقدم
این کار به تبلیغ و
آگاهی‌رسانی نیاز دارد که
ما بتوانیم آن چیزی را که
امروز اندک است، تقویت
کنیم و این تقویت تنها
موکول و محدود به خود
کتابخانه‌ها نیست

فراتر از سخنان معلم و متن درس بیاموزند. نهاد دیگری که در این امر مسؤول است، کتابخانه‌های عمومی هستند. در کتابخانه‌های عمومی برخلاف مدرسه مبنای سن مطرح نیست، بلکه اقشاری از جامعه هستند که به شکل دیگری دسترسی به کسب معرفت ندارند نه در دانشگاه بعنوان دانشجو یا استاد سپیم هستند و نه در یک تخصص خاصی ممکن است آن منابع در اختیارشان باشد. در واقع کسی که شهروند و عضو آن جامعه باشد و مالیات بپردازد صاحب این حق است که بتواند دانش خودش را گسترش دهد. در واقع این یکی از حقوقی است که یونسکو برای جوامع قائل است و آن حق دانستن است که تحقق آن را کتابخانه‌های عمومی برعهده دارند. بنابراین برخلاف آن چیزی که به تجربه در جامعه ما کاملاً قابل درک است و حتی در همین نشست هم می‌توانید از حضور تعداد کسانی که با طیب خاطر و علاقه خودشان آمدند که بسیار اندکند، به این موضوع پی ببرید این نشان‌دهنده نگرش ما به کتابخانه عمومی است. یعنی درک درستی نداریم و آن‌هایی هم که داشتند همین‌هایی بودند که من اسمشان را «سوخته‌دلان» می‌گذارم، یعنی می‌آیند حرف‌های دلشان را که شاید هم سال‌ها تکرار شده بزنند، ولی جامعه هنوز درک درستی نسبت به این قضیه ندارد. من این سوء درک را ناشی از این می‌دانم که نقص توجه به دانش‌ورزی اساساً در جامعه سبب می‌شود که کتابخانه‌های عمومی چندان رونقی نداشته باشند. من معتقدم این کار به تبلیغ و آگاهی‌رسانی نیاز دارد که ما بتوانیم آن چیزی را که امروز اندک است، تقویت کنیم و این تقویت تنها موکول و محدود به خود کتابخانه‌ها نیست. کسانی که از بیرون ناظر بر عملکرد کتابخانه هستند وظیفه بسیار مهمی دارند که جامعه را آگاه کنند، اعم از اینکه رسانه‌های فراگیر باشد یا کسانی که در جاهای مختلف و سطوح مختلف نقش معلمی دارند یا حتی آن‌هایی که صاحب فرزندان و وابستگان جوان‌تر هستند. بدین ترتیب همه وظیفه داریم تا نقش درست کتابخانه‌های عمومی را به جامعه بشناسانیم و اداره کنیم تا از آن‌ها استفاده کنند. حرکت فرهنگی در جامعه معمولاً یک حرکت کندی است، یعنی شما به سرعت نمی‌توانید بازتابش را به کسی منتقل کنید. بسیار تفاوت وجود دارد با اینکه شما به دانشگاه می‌روید و یک ترم درس می‌خوانید و نتیجه درس خواندنتان در پایان ترم (سه ماه یا چهار ماه) مشخص می‌شود.

با حرکاتی که در کتابخانه عمومی اتفاق می‌افتد و مراجعاتی که به آنجا می‌شود باید انتظار داشت که بعد از ۱۵-۲۰ سال نتیجه بدهد، یعنی یک نسل لازم است تا بتواند عملکرد کتابخانه عمومی خوب و بد را متجلی کند. بنابراین صبر و شکیبایی لازم است و کسانی که آگاه به روند جریان‌های فرهنگی هستند دقیقاً می‌دانند که آنچه را که انجام می‌دهند ممکن است نتایجش را در زمان حیات خودشان درک نکنند. اگر ما چنین اعتقادی داشته باشیم کتابخانه‌های عمومی ما طبعاً با مراجعات فعالانه‌تر و هدفمندتر صورت می‌گیرد، یعنی مراجعه به کتابخانه عمومی بماهو کتابخانه عمومی [نه بعنوان یک گرمخانه یا سردخانه‌ای که در فصول مختلف ما را در خودش می‌پذیرد و ما احتمالاً کارهای شخصی خودمان را در آنجا انجام می‌دهیم].

حافظیان‌رضوی: با توجه به اینکه پایان‌نامه فوق لیسانس خانم مکتبی فرد مربوط به کتابخانه‌های عمومی است. شما هم در ادامه فرمایش‌های دکتر حری کتابخانه عمومی را تعریف کنید و بفرمایید جایگاهش کجاست؟

مکتبی‌فرد: در مورد کتابخانه‌های عمومی، یونسکو و ایفلا تعاریفی را ارائه کرده‌اند که من از آن تعاریف رسمی فاکتور می‌گیرم، زیرا فکر می‌کنم که همه حاضران آن را می‌دانند. از زمانی که پایان‌نامه‌ام را در خصوص کتابخانه‌های عمومی تمام کردم تحولاتی انجام شده و امیدوار هستم که این تحولات مثبت بوده باشد. در آن زمان که کار انجام شد وضعیت خوشایند و امیدوارکننده‌ای در کتابخانه‌های عمومی ایران دیده نمی‌شد. حضور استاد حری در این جمع و در جمع‌های دیگری که من به دلیل علاقه‌ام شرکت می‌کردم، امری امیدوارکننده است و باعث می‌شود که امید بیکرانی نسبت به بهبودی کتابخانه‌های عمومی بوجود آید. وقتی که استاد بعد از این همه سال که در این جامعه (جامعه کتابداری که به هر حال به نوعی به کتابخانه‌های عمومی وابسته می‌شود)

حضور داشته‌اند هنوز هم ناامید نیستند و فعالیت می‌کنند، پس جای کار هست. زمانی به این نتیجه رسیده بودم که «عالمی دیگر نباید ساخت و زنو آدمی» و با توجه به شرایط کتابخانه‌های عمومی به هیچ جایی نخواهیم رسید. اما با این تحولات فکر می‌کنم که باید تجدید نظر کنم بخصوص در این جامعه دانایی‌محوری که مدنظرمان هست، کتابخانه‌های عمومی به طبع می‌توانند نقطه اتصال بین عامه مردم باشند. چه اشکالی دارد که جوانان و نوجوانان به جای اینکه در کافی‌نت‌ها با اینترنت سرگرم باشند، در کتابخانه‌های عمومی محلشان بنشینند و با اینترنت کار کنند. از این رو باید کتابخانه عمومی را می‌توانید یک محل دسترسی مردم به اطلاعات در نظر بگیریم. چیزی که من فکر می‌کنم جان کلام تعریف کتابخانه‌های عمومی هم هست.



حافظیان رضوی: خانم عمادخراسانی یکی از کسانی هستند که در زمینه مخاطب‌شناسی کتابخانه‌های عمومی بسیار کار کرده‌اند و تجربه دارند و تألیفات نیز در این زمینه دارند. لطفاً بفرمایید با مخاطبان کتابخانه‌های عمومی چگونه باید بود؟ با توجه به اینکه آقای دکتر حری اشاره کردند، هیچ محدودیت سنی برای این مخاطبان وجود ندارد و هر کسی می‌تواند به کتابخانه مراجعه کند؟

عماد خراسانی: در جواب شما باید بگویم الان بحث جامعه است، وقتی که طبق تعریف بسیار بسیار عالمانه دکتر حری تمام قشرها می‌توانند بدون هیچ محدودیتی از کتابخانه‌های عمومی استفاده کنند، یعنی کل مردم کوچک و بزرگ، زن و مرد، خرد و کلان، بدون هیچ نوع تبعیضی از نظر جنسی، قومی می‌توانند به کتابخانه عمومی مراجعه کنند. این امر دقیقاً در بیانیه یونسکو و در تمام استانداردهای ایفلا به صراحت بعنوان یک اصل بین‌المللی ذکر شده و ما هم معتقد هستیم و در قانون اساسی و در تمام منشورهای علمی و آموزشی - فرهنگیمان به این اصل توجه داریم. اما متأسفانه فقط توجه داریم.

خانم مکتبی‌فرد گفتند چقدر خوب است بچه‌های ما به جای رفتن به کافی‌نت به کتابخانه‌ها بروند. در جواب باید بگویم کدام کتابخانه؟ بیاییم و از حالت آرمانی خارج شویم و مشکلات را کالبدشکافی کنیم، چون تا موقعی که درد موجود را حس نکرده‌ایم نمی‌توانیم نسخه‌ای برای این کار بدهیم، تازه اگر طبیب متخصص باشیم. در خیابان بهبودی محل زندگی من ۵۴ کافی‌نت وجود دارند، ولی تا یک کیلومتری این خیابان (شمال، جنوب، شرق و غرب) یک کتابخانه هم نیست. منی که دلم می‌خواهد ساعت فراغتم را در کتابخانه باشم حوصله طی کردن مسافت زیادی را ندارم، چه برسد به بچه یا دانش‌آموزی که باید والدینش هدایتش کرده و او را به کتابخانه ببرند. در نتیجه او اصلاً نمی‌رود و ترجیح می‌دهد با بازی‌های رایانه‌ای سرگرم باشد که باعث به هم ریختن اعصاب آنان و صرف هزینه می‌گردد. بنابراین با در نظر گرفتن تمهیدات و امکانات باید آرزوی چیزهای نداشته را کرد. این جامعه‌ای که ما متعلق به آن هستیم زن و مرد، با سواد و کم سواد، متخصص، کودک، نوجوان، معلول و همه صنفی دارد، در این جامعه به طور مثال چند درصد از آقایان و خانم‌ها لحظات خوب و گرانبه‌ای خود را در کتابخانه عمومی حداقل بعنوان استفاده‌کننده می‌گذرانند. من نمی‌خواهم کسی را استنطاق کنم و تنها واقعیت را می‌گویم. من به کتابخانه‌های عمومی زیادی هم در تهران و هم در سراسر ایران و بعنوان مراجعه‌کننده رفته‌ام. در این کتابخانه‌ها با من دوست نبودند، من در کتابخانه مزاحم بودم چون سؤال می‌کردم، نیاز داشتم چون یک مقداری کتابدار باید حرکت می‌کرد. او تقصیر ندارد، او جامعه و مخاطبش را نمی‌شناسد چون به او یاد نداده‌اند و به او نگفته‌اند که تو چه کسی هستی؟ در چه جایگاهی هستی؟ چه وظیفه‌ای نسبت به جامعه داری؟ من معتقدم کتابداری عبادت است چون در خدمت خلق هست و در خدمت خلق بودن را باید آموخت و یاد گرفت. من به کتابخانه‌های عمومی کشورهای دیگر هم رفته‌ام (گمان نشود که من تبلیغ کتابخانه‌های خارج را می‌کنم من می‌خواهم بهره بگیرم و الگو باشد) در هیچ کدام از این کشورها که به کتابخانه‌هایشان رفته‌ام نه اقامت داشتم، نه مهاجر بودم و نه چیز دیگری، بلکه یا دوره مطالعاتی داشتم یا از داخل کشور مأمور شده بودم و یا برای دیدن اقوام رفته

مکتبی‌فرد:

کتابخانه عمومی را

می‌توانیم یک محل

دسترسی مردم به

اطلاعات در نظر بگیریم.

چیزی که من فکر

می‌کنم جان کلام تعریف

کتابخانه‌های عمومی هم

هست



عماد خراسانی:
کتابدار جامعه و مخاطبش
 را نمی‌شناسد چون به او یاد نداده‌اند و به او نگفته‌اند که تو چه کسی هستی؟ در چه جایگاهی هستی؟ چه وظیفه‌ای نسبت به جامعه داری؟ من معتقدم کتابداری عبادت است چون در خدمت خلق هست و در خدمت خلق بودن را باید آموخت و یاد گرفت

بودم. ولی شرایطی بود که من از کتابخانه‌های عمومی آن‌ها براحتی استفاده کردم. هرگز کسی هویت مرا سؤال نکرد، در حالی که ممکن بود زبان آن‌ها را بلد نباشم و قیافه‌ام هم که حداقل به خاطر محجبه بودنم بسیار بسیار تفاوت داشت. ولی اصلاً این برخوردها را با من نکردند و براحتی توانستم خیلی از مطالعاتم را روی همین پروژه طرح جامع کتابخانه‌های عمومی که اخیراً در دستم بود، انجام بدهم. فقط موقعی که می‌خواستیم کتاب بیاورم باید طبق قاعده و مقررات آن‌ها عمل می‌کردم. پس باید یک محوری را در نظر بگیریم که کتابخانه عمومی یک پدیده است، پدیده‌ای که هم عامل است و هم در اثر عملکردی شکل می‌گیرد و توانمند می‌شود، و احتمالاً ممکن است سقوط بکند. اما در چه زمانی شکل می‌گیرد، در زمانی که جسم بیمارگونه کتابخانه عمومی ... (کتابخانه‌های دیگر کمتر دغدغه ایجاد می‌کنند من نسبت به کتابخانه عمومی مثل مادری هستم که دائماً نگران رشد بچه‌ام هستم که دور از اهلیت و شایستگی قوم و خانواده‌اش رشد نکند) وقتی می‌گوییم کتابخانه عمومی عامل است، یعنی می‌تواند در جهت مخاطبان خودش، جامعه‌ای که به آن تعلق دارد با تمام فرهنگ‌های بومی و ملی، به صورت بسیار بسیار کارآمد حرکت کند و کتابخانه عمومی در بسیاری از مسائل همچون فناوری، بهداشت و مسائل اجتماعی می‌تواند عامل باشد. اما خودش هم یک معلول است. معلول تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، صاحب‌نظری‌ها و تدبیرهایی که براساس معیارها و واقعیت‌ها شکل می‌گیرد و آن اندیشه‌هایی که در قبال این واقعیت‌ها و معیارها ورزیده و شکل گرفته شده و پدید می‌آیند.

کتابخانه عمومی در جایی می‌تواند جسم بیمارش را به یک موجود بالنده رو به رشد به قول (رانگاناتان) تبدیل کند که طبیب‌های متخصص بتوانند دردش را تشخیص دهند. با عرض شرمندگی باید عرض کنم ترکیب هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور ما خودش انگاره‌ای است بر اینکه به این جسم کمتر توجه می‌شود (البته امیدوارم من اشتباه کرده باشم) و این هیأت کمتر موفق می‌شوند این بیماری را تشخیص دهند و این بیماری را که (رو به موت) است، درمان کنند.

حافظیان رضوی: خانم عماد خراسانی بیشتر دردهایشان را از وضعیت کتابخانه‌های عمومی ایران بیان کردند. بحث را همچنان در مسیر جایگاه کتابخانه‌های عمومی در کشور ادامه می‌دهیم. آقای دکتر رادمهر در خصوص اینکه آیا اصلاً در کشور منابعی آکادمیک علمی وجود دارد که درباره کتابخانه‌های عمومی بحث شده باشد، در پروژه‌های کار کرده‌اند، از ایشان خواهش می‌کنیم راجع به غنای این منابع یا حتی فقرشان توضیحاتی را ارائه بفرمایند.

رادمهر: اینکه چقدر راجع به کتابخانه‌های عمومی تحقیق شده، مطالعاتی صورت گرفته، از چه جنسی و در چه مقطع تحصیلی بوده و نتیجه این پروژه‌ها چه شده است، شاید امر تازه‌ای نباشد. در «طرح جامع کتابخانه‌های عمومی» کار در واقع نوعی جمع‌آوری بوده و به جرأت باید بگویم در تمامی یا قریب به اتفاق استان‌های کشور دانشجویانی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و عمدتاً فوق لیسانس وضعیت کتابخانه‌های عمومی استان خودشان را بررسی کرده‌اند. من در زمان شروع دوره دکتری از نویسندگان خارجی و اساتید کتابداری مقیم در ایران و کسانی که دوره‌های کتابداری را راه‌اندازی کرده بودند، مثل «رابرت راجرز» و «جان هاروی» و دیگران مقاله‌هایی مشاهده کردم که راجع به «بررسی وضعیت کتابخانه‌های دانشگاهی»، «بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی» و «بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی ایران» نگاشته‌اند. در واقع با کمی دقت متوجه شدم آن‌ها دانشجویان استان‌های مختلف را در حین تحصیل مأمور کرده‌اند که کتابخانه‌های عمومی استان خودشان را بررسی کنند، مثلاً به دانشجویی از استان خراسان مأموریت می‌دادند تا کتابخانه‌های عمومی استان خودش را بررسی کند. این استاد بعد از یک تا یک سال و نیم تمامی کتابخانه‌های یک کشور را توسط همین دانشجویان بررسی کرده و بصورت یک مقاله درآورده است (کاری که ما هم بلد هستیم، ولی به دلیل مشغله‌های زیاد کمتر به آن توجه می‌کنیم). من بعنوان یک دانشجوی ایرانی خیلی راحت‌تر می‌توانم از این مقاله ۱۵-۲۰ صفحه‌ای بهره‌برداری کنم تا

اینکه به کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های متعدد مراجعه کنم. این ضعف وجود دارد. صحبت‌هایی که خانم عمادخراسانی بیان کردند در واقع ذکر مصیبت بود، من هم در همین راستا مواردی را متذکر می‌شوم، ما به نهاد کتابخانه عمومی، نهادی اجتماعی (Social Institution) می‌گوییم. از طرف دیگر خانم مکتبی‌فرد فرمودند که ما باید دسترسی را تسهیل کنیم. ما در متون چند ساله اخیر می‌بینیم که می‌گویند دسترسی در مقابل ownership (مالکیت) مطرح است. ما باید برای هر کسی از هر جایی که تصمیم می‌گیرد که متنی را ببیند امکان دسترسی را فراهم کنیم. اینکه ما بگوییم کتابخانه‌ها را عین کتابخانه‌های سنتی را تبدیل به انبار کتاب کنیم و من کتابدار هم کتاب‌بان آن‌ها بشوم، منسوخ شده است.



رادمهر:
اینکه کتابخانه‌های سنتی را تبدیل به انبار کتاب کنیم و من کتابدار هم کتاب‌بان آن‌ها بشوم، منسوخ شده است

من باید به جایی برسم که بگویم، همان‌طور که کتابخانه دانشگاهی برای عموم است، هم‌چنین متناسب با برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز بررسی کنیم که کتابخانه‌های عمومی کشور چه کار کرده‌اند؟ من در تأیید فرمایش‌های خانم عمادخراسانی مواردی را یادداشت کرده‌ام. وقتی صحبت از شهرداری می‌کنیم، در واقع اعضای شهرداری و مدیران ارشد شهرداری باید بدانند که شهر امروز چه وضعیتی دارد؟ مشکل کجاست؟ و در آینده مشکل چه خواهد بود؟ در سال ۱۳۰۵ اولین کتابخانه تحت عنوان «کتابخانه بلدیّه» در تهران تأسیس شد. حدود ۳-۴ دهه بعد اولین کتابخانه عمومی در محل پارک‌شهر فعلی تأسیس گردید که در حال حاضر هم وجود دارد. ۸۰ سال از تأسیس اولین کتابخانه عمومی گذشته و باید بررسی شود که در این مدت این نوع کتابخانه چه تغییر و تحولی کرده است. آقای دکتر حری اشاره کردند که ما «سوخته‌دلان» هستیم که این واقعیتی است (دستمان کوتاه و خرما بر نخیل). مشکلات مطرح می‌شود، اما چه کسی باید عمل کند. من بعنوان کسی که در جلسه‌های مختلفی حضور داشته‌ام جای هیأت‌های امنای کتابخانه را خالی می‌بینم. اعضای هیأت امنای باید حضور داشته باشند و صحبت‌ها و درد دل‌ها را بشنوند. آن گوش شنوایی که باید بشنود و آن چشم بینایی که باید ببیند کجاست؟ با توجه به برنامه‌های توسعه کشور ما زمانی روستا بود می‌گفتیم کتابخانه‌های روستایی، زمانی یک شهر جمع و جور بود، می‌گفتیم کتابخانه‌های عمومی. اما در حال حاضر با توجه به رشد شهری چه باید کرد؟

در شهرک اکباتان ما چند کتابخانه عمومی داریم یا اصلاً کتابخانه عمومی داریم! آیا جای آن نیست که هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی ایران پیشنهاد بدهد که در هر بلوک یک کتابخانه تأسیس شود و اینکه آیا فضایش موجود نیست. وقتی صحبت از ضعف و مشکلات و چالش‌های کتابخانه‌های عمومی به طور خاص و کتابخانه‌ها به طور عام می‌شود، بدون مطالعه و تحقیق می‌توانیم بگوییم مشکل نیروی انسانی، فضا، تجهیزات، امکانات، مانند نور، سرما، گرما، صدای و خیلی موارد دیگر داریم. این‌ها مسائلی است که واضح است و در آسیب‌شناسی مشخص شده و به اتمام رسیده است. حال زمان عمل است. آقای مهندس ملک‌احمدی بعنوان عالی‌ترین مقام اجرایی این مجموعه استحضار دارند که در حوزه کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد برای هر دانشجوی کارشناس ۲۴۰ ساعت کارورزی در نظر گرفته شده است. ۲۱ سال پیش زمانی که فوق دیپلم کتابداری می‌خواندم یکی از استادانم مرا مأمور کرد که کتابخانه عمومی شهرم را توصیف کنم، وقتی به کتابخانه عمومی شهرم مراجعه کردم، اطلاعاتی نداشتم برای همین پرسش‌هایی آماده کرده و به آنجا رفتم، اما آن‌ها با اکراه به من جواب می‌دادند. بعد از گذشت ۲۲ سال می‌توانم به دانشجو تکلیف کنم کتابخانه شهرشان و مشکلات آن را در دو سه صفحه بنویسند. اما با چند بار مراجعه و جواب نگرفتن، همان اتفاق ۲۲ سال پیش تکرار می‌شود و جواب‌ها همان است. در واقع هیأت امنای مسؤولان مدیریتی و اجرایی تغییر کردند، ولی مشکلات همچنان پابرجاست. پس مشکل کجاست؟ اکثر دانشجویها را بعنوان کارورز به جاهای مختلف می‌فرستیم، ولی آن‌ها می‌گویند معمولاً کار کتابخانه‌ها را انجام می‌دهند. مسؤولان کتابخانه‌ها نمی‌دانند از ما چگونه استفاده کنند.

اگر ۷۰-۷۵ گروه آموزشی کتابداری داخل کشور را ضرب در تعداد دانشجویها کنیم عدد



وحشتناکی بدست می‌آید و مورد دیگر آنکه ما وقتی دفترچه کنکور صادر می‌کنیم، مشخص می‌کنیم که مثلاً دانشکده تبریز دانشگاه علوم انسانی ۱۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد (در کل ۳۰ نفر) در رشته حقوق دانشجو می‌پذیرد. این نیاز بر چه اساسی سنجیده شد، در مورد کتابداری هم باید همین‌طور باشد. هیأت امنای کتابخانه‌های کشور چقدر از ظرفیت‌ها استفاده کرده‌اند، به جرأت می‌توانم بگویم همین اساتیدی که دور این میز نشسته‌اند هر کدامشان در ذهنشان ۱۰-۱۵ نفر کتابدار عاشق علاقه‌مند جوان سراغ دارند. این‌ها چگونه باید جذب شوند. از طرف دیگر می‌دانیم که کتابخانه‌های عمومی کارشناسان غیرکتابداری را جذب می‌کنند، در حالی که آن‌ها نمی‌دانند که کارشان چیست؟ برای این‌ها آموزش‌های کوتاه مدت دو هفته‌ای و یک ماهه می‌گذاریم. یکی از کارهای اصلی که دبیرخانه هیأت امنای باید انجام دهد این است که ستاد دبیرخانه هیأت امنای را تقویت و تجهیز کند. در واقع جایی که ستاد تقویت نشود ما نمی‌توانیم از مراکز، مؤسسه‌ها، شعبه‌ها و شاخه‌ها توقع معجزه داشته باشیم.

در حال حاضر در مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی اعم از دکتری و کارشناسی ارشد کسانی را داریم که آزاد هستند، واقعاً هزینه جذب این‌ها چقدر می‌شود. کسانی که عضو هیأت امنای ما هستند کجاها شاغل‌اند. یعنی این‌ها کسانی هستند که مدیران ارشد این مملکت‌اند می‌توانند تسهیل بکنند.

حافظیان رضوی: با توجه به اینکه یکی از چالش‌های مهم در مورد کتابخانه‌های عمومی کشور بحث نیازشناسی (انتخاب) و سفارش مواد و اصولاً مجموعه‌سازی در کتابخانه‌های عمومی است و با توجه به مطالعاتی که خانم شه‌میرزادی در این حوزه داشته‌اند، لطفاً بفرمایید وضعیت کتابخانه‌های عمومی از لحاظ انتخاب و نیازشناسی و مجموعه‌سازی چگونه است؟

شه‌میرزادی: می‌دانیم که در کتابخانه‌های عمومی چالش‌های زیادی داریم. فقدان اطلاعات تخصصی کتابداران برای کتابخانه‌های عمومی بصورت معضلی شده است که این موضوع را طی تکمیل کردن پرسشنامه‌ها متوجه شدم. بسیاری از کسانی که بعنوان کتابدار در کتابخانه عمومی کار می‌کنند، تخصص کتابداری ندارند و تشخیص نسخه و عنوان برای آن‌ها مشکل است. واضح بود شخصی که پرسشنامه را پرمی‌کند، تخصص کتابداری ندارد، زیرا نمی‌دانست که منظور ما از عنوان و نسخ خطی چیست؟ همان‌طور که دکتر حری فرمودند، مجموعه‌سازی برای کتابخانه‌های عمومی باید برای تمام اقشار صورت بگیرد، اعم از نوجوانان، جوانان، کودکان، نابینایان و تمام اقشار جامعه که به کتابخانه مراجعه می‌کنند. متأسفانه در کتابخانه‌های عمومی اهمیتی به نیازهای



شه‌میرزادی:
فقدان اطلاعات تخصصی
کتابداران برای کتابخانه‌های
عمومی بصورت معضلی شده
است که این موضوع را طی
تکمیل کردن پرسشنامه‌ها
متوجه شدم. بسیاری از
کسانی که بعنوان کتابدار در
کتابخانه عمومی کار می‌کنند،
تخصص کتابداری ندارند

اطلاعاتی مراجعه‌کنندگان داده نمی‌شود. طی پرسشنامه‌ای که برای مجموعه‌سازی (این پرسشنامه درباره انتخاب منابع اطلاعاتی، نیازهای کاربران و نوع تهیه منابع اطلاعاتی بود) تهیه و به مراکز مختلف ارسال گردید. سفارش‌ها بصورت متمرکز از طریق دبیرخانه هیأت امنای انجام می‌شود و منابع اطلاعاتی جمع‌آوری و به کتابخانه‌ها ارسال می‌گردد، بدون اینکه نیازهای کاربران در نظر گرفته شود. بسیاری از این کتابداران اذعان داشتند (با توجه به اینکه آن‌ها هم فرم‌هایی داشتند که نیازهایشان را یادداشت می‌کردند) به هیچ‌کدام از این نیازهایی که ارسال شده بود، توجهی نشد و تقریباً می‌توان گفت اگر این نیازها هم قرار بود تأمین شود از ۹۸ درصد نیازی که اعلام می‌شد، تنها ۱۷ درصد آن تأمین می‌گردید. در نتیجه در مجموعه‌سازی کتابخانه‌های عمومی انتخاب درستی صورت نمی‌گیرد و اگر کتابی تهیه می‌شود به تعداد کتابخانه‌ها تهیه و ارسال می‌شود. با توجه به اینکه ما مشکل جغرافیایی، بومی، لهجه و زبان و از لحاظ سنی گروه‌های سنی زیادی داریم و این‌ها مدنظر دست‌اندرکاران انتخاب منابع اطلاعاتی قرار نمی‌گیرد.



هاشمی:

کتابخانه‌هایی داریم که شبانه‌روزی می‌شوند و کتابخانه‌هایی که بیش از ۵۰ هزار عنوان کتاب دارند و شاید هیچ‌گونه سانسوری در آن‌ها انجام نشده است. این موضوع برای مسجد تاحدودی دور از ذهن به نظر می‌رسد، ولی واقعیت دارد

بسیاری از کتابخانه‌ها به برگزاری کلاس‌های آموزشی در خود کتابخانه اشاره کردند، مثل موسیقی، گلدوزی، قرآن (با توجه به اینکه این‌ها هم یک‌سری کتاب‌های راهنما برای کلاس‌های آموزشی خود نیاز دارند)، که البته به نیازهای اطلاعاتی این‌ها هم درست جواب داده نمی‌شود.

در کتابخانه‌های عمومی مشکل تعداد کتاب نداریم، بلکه تعداد عضوگیری ما دچار مشکل است. اعضای ما خیلی کمتر از حد تعریف شده کتابخانه‌ها هستند، جز استان سمنان بقیه استان‌ها دچار مشکل‌اند. این موضوع هم شاید به این مسأله برمی‌گردد که خود مراجعه‌کنندگان نیازهای اطلاعاتی‌شان را در کتابخانه‌ها نمی‌یابند که جذب شوند. در نتیجه اگر براساس نیازهای آنان مجموعه‌سازی شود، شاید مشکل عضوگیری ما هم حل گردد و کتابخانه به اندازه کافی برای مراجعه‌کنندگان چه از لحاظ آموزشی، تفریحی و تفننی جاذبه داشته باشد. بودجه‌ای که به کتابخانه‌های عمومی داده می‌شود، بسیار کم است و این میزان بودجه‌ای هم که وجود دارد از درآمدهای موردی بدست می‌آید.

بسیاری از کتابخانه‌ها لیست ناشران را ندارند و فقط ۵ درصد اعلام کردند که کاتالوگ ناشران را دارند. اگر برای کتابخانه‌های عمومی این امکان فراهم شود که بتوانند حداقل لیست ناشران کشور را داشته باشند و انتخاب براساس اصول و صورت صحیح آن انجام شود، حداقل سفارش ما غیر متمرکز، ولی خرید ما متمرکز باشد شاید بتوانیم قدم بسیار مثبتی برداریم تا هم کتابخانه جاذبه زیادی برای مراجعه‌کنندگان داشته باشد و هم بتواند نیازهای مخاطبان را تاحدودی جواب بدهد. **حافظیان رضوی:** در کشور ما کتابخانه‌های عمومی فقط زیر نظر هیأت امنای کتابخانه‌ها قرار ندارند، از کتابخانه‌های عمومی که تعداد آن‌ها قابل توجه است می‌توان به کتابخانه‌های مساجد اشاره کرد. از آقای هاشمی خواهش می‌کنم، اشاره کلی به کتابخانه‌های مساجد داشته باشند و توضیحاتی درباره وضعیت موجود آن‌ها ارائه بفرمایند.

هاشمی: کتابخانه‌های هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی مورد قبول در کشور مطرح شده‌اند و قانون هم این را تصریح کرده است، اما درباره کتابخانه‌های عمومی من بعنوان یک کتابدار و مسؤول بخشی از کتابخانه‌های عمومی در مورد صحبت‌های مطرح شده دوستان حرف دارم. براساس آمار موجود در حدود ۷۰ هزار مسجد در کل کشور داریم و این رقم غیر از حسینیه‌ها، مهدیه‌ها و زینبیه‌ها و سایر مراکز مذهبی است که ما می‌توانیم بعنوان کتابخانه از آنجا استفاده کنیم.

فرض کنید ما ۲۰ هزار حسینیه داریم که معمولاً در طی سال در آن‌ها کار خاصی انجام نمی‌گیرد و فقط در ایام محرم و رمضان برنامه دارند و مابقی سال را می‌توانند در اختیار کتابخانه‌ها قرار گیرند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که حدود ۷ هزار کتابخانه در مسجد وجود دارد که بسیاری از حجمه‌هایی که شد و بحث‌هایی که دوستان مطرح کردند به خاطر نبود اعتبار است و به طبع هر یک از ما از یک جنبه وارد بحث می‌شویم، اما اگر در کلیت کار بگوییم، مشکل اعتبار

هست. اعتبار ما در کتابخانه‌های مساجد بسیار پایین بوده و هست، بنابراین نتوانستیم بیش از ۱۲۷۵ کتابخانه را تا امسال تجهیز کنیم و در اختیار و تملک خود در آوریم. امسال ۲۲۵ کتابخانه اضافه شد و به ۱۵۰۰ کتابخانه رسیده (تا آخر سال می‌رسد) و طبق صحبت‌هایی که با آقای ملک‌احمدی شده، قرار است کتابخانه‌های درجه یک را در اختیار هیأت امنای قرار دهیم. بسیاری از این کتابخانه‌های ما حتی قوی‌تر از سایر کتابخانه‌های عمومی هستند. هم‌چنین کتابخانه‌هایی داریم که شبانه‌روزی می‌شوند و کتابخانه‌هایی که بیش از ۵۰ هزار عنوان کتاب دارند و شاید هیچ‌گونه سانسوری در آن‌ها انجام نشده است.

این موضوع برای مسجد تاحدودی دور از ذهن به نظر می‌رسد، ولی واقعیت دارد. البته در نظرسنجی‌هایی که خانم شه‌میرزادی فرمودند، بیش از ۱۷ درصد نیازها برطرف نشده است. هیأت امنای ما مثل ما مشکل مجموعه‌سازی دارد. به خاطر اینکه اعتبار خرید نداریم و برای تهیه کتاب هم کتابخانه‌های مساجد و هم هیأت امنای مجبور است از انبار مؤسسات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده کند. این امر باعث می‌شود از یک مجموعه کتاب منتخب باز هم انتخاب کنیم و در عمل نمی‌توانیم کتاب‌هایی را که طبق نظرسنجی نیازسنجی شده یا مراجعه‌کننده تقاضا کرده خریداری کنیم، و در اختیارشان قرار دهیم. به همین دلیل آمارها پایین است.

بسیاری از کتاب‌های خوبی که در هر سال چاپ می‌شود در اختیار مجموعه قرار نمی‌گیرد. اما در کتابخانه‌های عمومی مساجد نیز همان‌طور که خانم عمادخرسانی فرمودند، مشکل داریم. ما سعی داریم برای حمایت از کتابخانه‌های عمومی هیأت امنای بعنوان بازویی باشیم و در عمل در محل‌هایی که هیأت امنای کتابخانه ندارد ما صددرصد کتابخانه داریم. شعار ما هم در ستاد عالی مساجد این است که هر جا مسجد است کتابخانه هم هست. حالا شاید بفرمایند که برای ورود به این کتابخانه‌ها مشکل داریم. اما این کتابخانه‌ها به گواه تاریخ عمومی‌ترین و محلی‌ترین کتابخانه‌ها در سطح جهان و تاریخ هستند، پس برای ورود به آن‌ها مشکلی وجود ندارد و در صورت وجود مشکل آن را برطرف خواهیم کرد.

در کشور حدود ۱۵۰۰ کتابخانه داریم و این ۱۵۰۰ کتابخانه در ۳۰ استان تقسیم شده است و در استان تهران ۲۲۲ کتابخانه مسجد داریم که در اختیار هیأت امنای قرار خواهیم داد. در مورد تعداد کتابخانه‌های عمومی این مسأله قابل توجه است که همین تعداد کافی است (هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی)، اما اگر واقعاً بخواهیم کتابخانه عمومی داشته باشیم که چند منظوره باشد، کتابخانه‌های عمومی ما از نظر کمی سطحشان پایین است. ما در کتابخانه‌ها بحث اطلاع‌رسانی، تفریح، اوقات فراغت، آموزش مستمر را داریم و همه این‌ها از کتابخانه‌های عمومی است. به کتابخانه‌های عمومی توجه نشده است. تا جایگاه اصلی خودشان را پیدا کنند. در ایران کتابخانه‌های عمومی کتابخانه‌های هیأت امنای شناخته شده و این در حالی است که در سطح جهان مانند آمریکا غیر از کتابخانه‌های دانشگاهی بقیه کتابخانه‌ها عمومی اعلام شده‌اند. این تفاوتی است که در واقع در عملکرد کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور قابل مشاهده است.

حافظیان رضوی: در بعضی از کشورها از هر طرف ۵۰۰ متر جلوتر برویم، شاهد یک کتابخانه هستیم. گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم این اتفاق در کشور ما هم اتفاق خواهد افتاد. اما باید مشخص کرد به کجا کتابخانه می‌گویند، به اتاقی که در آن کتاب گذاشتیم یا مسجدی که یکی از شبستان‌ها یا اتاق‌هایش را به کتاب اختصاص داده و نامش را کتابخانه گذاشته‌اند، یعنی آیا آن ۷۰۰۰ یا ۱۵۰۰ تا واقعاً کتابخانه با تمام استانداردها هستند. از آقای دکتر نیک‌نام که روی تجهیزات کتابخانه‌ها کار کرده‌اند می‌خواهم در این مورد بیشتر توضیح دهند.

نیک‌نام: ما نباید تیغ را طرف هیأت امنای بگیریم، نه برای اینکه دبیر هیأت امنای اینجا حضور دارند، زیرا همان‌طور که گفته شد در حال حاضر ۴ نوع کتابخانه داریم، کتابخانه ملی، عمومی، اختصاصی و آموزشی.

بنابراین با آن وظایفی که برای این‌ها مشخص می‌کنند کتابخانه‌های عمومی در بعضی



حافظیان رضوی:
باید مشخص کرد به کجا کتابخانه می‌گویند، به اتاقی که در آن کتاب گذاشتیم، یعنی آیا آن ۷۰۰۰ یا ۱۵۰۰ واقعاً کتابخانه با تمام استانداردها هستند



نیک‌نام:

اگر ما کتابخانه‌ها را در
حالت کلی یک زنجیر
فرض کنیم متوجه
می‌شویم که این زنجیر
اصلاً در کشور ما تشکیل
نشده و نمی‌توانیم کسی
را مقصر بدانیم

کشورها مثل چین زیر نظر وزارت فرهنگ است، بعضی جاها هم زیر نظر شهرداری است. در ایران هم زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد، ولی شهرداری‌ها هم دارای کتابخانه هستند. فرض کنید که حتی گفته می‌شود کتابخانه‌های زندان‌ها و مساجد و کتابخانه ندامت‌گاه‌ها، ترمینال‌های اتوبوس جزو کتابخانه‌های عمومی محسوب می‌شوند. نکته‌ای که لازم است به آن اشاره کنیم اینکه اگر ما کتابخانه‌ها را در حالت کلی یک زنجیر فرض کنیم متوجه می‌شویم که این زنجیر اصلاً در کشور ما تشکیل نشده و نمی‌توانیم کسی را مقصر بدانیم. در واقع خلق و خوی شاهنشاهی و امپراتوری در ما مانده و هرکسی هر جا هست احساس می‌کند امپراتوری دارد و سعی می‌کند که حول و حوش آن امپراتوری کسی دخالت نکند. کما اینکه در قوانینی هم که در دولت یا در مجلس وضع می‌شود، مشاهده می‌کنیم قانونی وضع شده که سه وزارت‌خانه را درگیر کرده‌اند، برای مثال بعضی از دوستان از وزارت کشاورزی اگر بخواهند گیاه دارویی بسازند، مشکلات پیچیده و عدیده‌ای بوجود می‌آید، زیرا یک هماهنگی بین وزارت جهاد کشاورزی، بهداشت و وزارت بازرگانی وجود ندارد (چون این‌ها صادرات دارد) این باعث می‌شود که افراد طرف این قضایا نروند. هیچ تلفیقی هم بین این قوانین بوجود نیامده است.

بنابراین برای من باعث خوشحالی است که آقای هاشمی می‌گویند کتابخانه‌ها را در اختیار هیأت‌امنا خواهند گذاشت، البته شاید احتیاجی هم نباشد که کار به این صورت انجام گیرد. اگر هماهنگی باشد شهرداری هم باید این کار را بکند. من خاطرم هست شهرداری ابتدا کتابخانه عمومی را می‌ساخت و در اختیار هیأت‌امنا می‌گذاشت، اما بعد از مدتی در اختیار خودش نگه داشت و شکل کتابخانه‌ها را عوض و تخصصی کرد، مثلاً کتابخانه هنر و ... یعنی می‌خواهد خودش را از قید عمومی بودن خارج کند.

مورد دیگر مسأله‌ای است که آقای هاشمی اشاره کردند که ما به اسم کتابخانه مکان‌های فراوان داریم. این به نظر من کافی نیست. البته در بعضی کشورهای پیشرفته کتابخانه‌اش از یک اتاق تشکیل شده است، مثلاً در شهر فیلادلفیا کتابخانه‌های رایگان به صورت اتاق است. منتها طبق گفته «رانگاناتان» هدف غایی کتابخانه‌ها خدمات مرجع است، باید دید که همان اتاق هدف اصلی را انجام می‌دهد؟ کما اینکه من از آقای دکتر بدره‌ای که رشته‌شان فرهنگ و زبان‌های باستانی است، ولی فوق لیسانس کتابداری هم خوانده‌اند، پرسیدم شما که روی قرآن تحقیق می‌کنید وقتی به آمریکا می‌روید از نظرمنابع مشکلی ندارید. گفتند نه به مراتب راحت‌تر از ایران است. در جایی که پسرم اقامت دارد یک کتابخانه کوچک است، اما هر کتابی را که من بخواهم این کتابخانه آن را حداکثر ظرف یک هفته اگر در ایالات متحده یا انگلستان یا کانادا باشد، برای من فراهم می‌کند. بنابراین دسترسی به منابع در آنجا به مراتب راحت‌تر از ایران است. هم‌چنین در کره جنوبی کتابخانه‌هایی با ۱۰ هزار مترمربع زیربنا می‌سازند و در آنجا کلاس و آمفی‌تئاتر می‌گذارند. ۸ سال پیش طرح یونسکو این بود (خواندن با خانواده) و سالی را بعنوان سالن خانواده می‌گذارند. ما این زنجیر را فراموش کرده‌ایم، نباید کتابخانه‌های عمومی را مستقل از دانشگاه و آموزش و پرورش بدانیم، بلکه این‌ها باید کنار هم باشند. کما اینکه من سه ماه در «فرهنگسرای خاوران» مشاور بودم، تصمیم گرفته شد کتابخانه‌های فرهنگسرا را به مدارس ببریم، ما کمک به مدارس کردیم حتی قفسه‌های کتاب را با مشورت معلمان با وانت به مدت یک ماه به مدرسه بردیم تا در مورد آن موضوعی که قرار است تحقیق صورت گیرد تحقیق انجام شود و این کتاب‌ها بازگردانده شود. این‌ها نشان می‌دهد که تنها هدف داشتن کتابخانه‌های لوکس و بزرگ نیست. رانگاناتان می‌گوید: «کتاب برای خواندن است» و این بُعد دیگر قضیه است. بعضی‌ها این گفته او را تغییر داده‌اند که کتابخانه‌ها در خدمت بشریت است و این کار را از همه اولی‌تر باید در مورد کتابخانه‌های عمومی انجام دهیم.

حافظیان‌رضوی: من امروز صبح مطلبی را تحت عنوان کتاب‌های کاهویی خواندم که نمی‌دانستم چیست. در تعریف این کتاب آمده بود که شما فقط مغز کتاب‌ها را استفاده می‌کنید،

یعنی می‌توانید خیلی چیزهایش را دور بریزید و از اصلش استفاده کنید. شاید کتابخانه‌های کاهویی هم وجود بیاید که آدم در این کتابخانه دقیقاً بداند که از کدام بخش باید استفاده کند. اما کتابخانه برای همه انواع کاهو فراهم می‌کند، یعنی برگ‌های قابل استفاده‌اش را از درشت‌ها شروع می‌شود تا آن برگ‌های گلش. از آقای حاجی زین‌العابدینی خواهش می‌کنیم درباره تعریف و ویژگی‌های کتابخانه استاندارد توضیحاتی بفرمایند.

حاجی زین‌العابدینی: به نظر من بدون در نظر گرفتن تعاریف رایج، کتابخانه استاندارد کتابخانه‌ای است که بسیار مورد استفاده قرار گیرد. کتابخانه ممکن است در یک چادر باشد یا سیار باشد یا برای جنگ‌زدگان بوسیله قاطر حمل شود، اما در همه آن‌ها کتاب خواننده می‌شود و بر آدم‌ها اثر می‌گذارد.



حاجی زین‌العابدینی:
کتابخانه بوجود می‌آید تا
نیازهای فرهنگی آدم‌ها
را رفع کند این کتابخانه
صرفاً جای نگهداری
کتاب و امانت دادن و
سرگرم کردن افراد با این
کتاب‌ها نیست. کتابخانه
باید در جامعه یک پایگاه
فرهنگی باشد

با توجه به تاریخچه ایجاد کتابخانه‌ها بشر زمانی احساس نیاز کرد که یک‌سری اتفاقات و تجربیاتی را که به وقوع می‌پیوندد نگهداری کند تا این‌ها در اختیار دیگران قرار گیرد. براین اساس هرچه جامعه پیچیده‌تر شد، نیازها و دسترسی متفاوت شده و انسان‌ها به بخشی از آن اطلاعات یا همه آن‌ها توجه کرده‌اند. باید دید امروزه آیا کتابخانه‌ها مبتنی بر این نیاز هستند؟ کتابخانه می‌تواند به غایت خوب و عالی و از لحاظ امکانات مجهز باشد، ولی امکان استفاده از آن فراهم نباشد. کتابخانه بوجود می‌آید تا نیازهای فرهنگی آدم‌ها را رفع کند این کتابخانه صرفاً جای نگهداری کتاب و امانت دادن و سرگرم کردن افراد با این کتاب‌ها نیست. کتابخانه باید در جامعه یک پایگاه فرهنگی باشد و در مورد نقش کتابخانه‌های عمومی در جامعه نوشته‌های زیادی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها گزارش آقای آذرنگ در مورد «کتابخانه‌های عمومی و نکوور» است که در واقع این کتابخانه یک پایگاه است و افراد به جای اینکه به ۱۱۸ زنگ بزنند می‌توانند به کتابخانه مراجعه کرده و نیازشان را برطرف کنند. کتابخانه واقعاً باید یک چنین جایی باشد. من معضل کتابخانه‌ها را از دو وجه مورد توجه قرار می‌دهم. یک وجه اصلیش مشکلاتی است که در جامعه موجود است که طبق آنچه در جامعه رواج دارد ما می‌توانیم مردم را مقصر بدانیم و ادعا کنیم مردم ما کتابخوان نیستند (که واقعاً این جور هم هست) مسأله کتابخانه آمدن و از کتابخانه استفاده کردن قبل از تولد و در خانواده شکل می‌گیرد، در مدرسه قوام پیدا می‌کند و وقتی هم که فرد وارد جامعه شد چه جامعه دانشگاهی، چه جامعه تخصصی و چه جامعه عمومی از همه کتابخانه‌ها استفاده می‌کند. اما می‌خواهم بدانم چند نفر از ما کتابداران که مدعی هم هستیم، بچه‌های خودمان را برای تفریح به جای پارک به کتابخانه می‌بریم؟ استفاده از کتابخانه در ما نهادینه و درونی نیست. حتی خود ما کتابداران هم دلمان خوش است که هر از چندگاهی یک تابلوی کتابخانه عمومی می‌بینیم و احساس رضایت می‌کنیم. این مشکل از کجا ایجاد می‌شود. این سلسله مراتب از کودکی آغاز می‌شود و به من کتابی می‌دهند که بخوانم و تا دانشگاه هم ادامه دارد، چه نیازی است که به کتابخانه بروم. اما در جامعه دانایی محور این یک امر نهادینه‌ای است، اگر یک روز کتابخانه‌ای در محلی نباشد، برای نبود آن اعتراض می‌کنند. تا وقتی نهادینه نشود، مشکل مان حل نمی‌شود. دلم برای هیأت امنای می‌سوزد، به خاطر اینکه یک جامعه‌ای را که هیچ نوع دغدغه‌ای ندارد می‌خواهیم همه چیز را به آن تزریق کنیم. ما احساس نمی‌کنیم که اگر کتابخانه نباشد مشکلی داریم. این مسأله اصلی است، اما ما بعنوان کتابدار اجازه نداریم که این را عامل اصلی بدانیم.

وجه دوم که باز به ما برمی‌گردد، رسالتی است که برعهده ماست. ما چه رسالتی داریم؟ آیا طعم واقعی کتاب را به افراد چشاندیم؟ آیا برای تک تک افراد این احساس نیاز را ایجاد کردیم؟ بالاخره آن داستان قدیمی که یک نفر مکتب می‌رفت، ولی نتوانست درس بخواند و دیگر ادامه نداد و بعد از چند سال دید که یک قطره آب به مرور زمان روی سنگ چکیده و آن را سوراخ کرده است، پس با خود گفت: من هم می‌توانم و درس خواند و دانشمند شد، در اینجا صدق می‌کند. درست است که زیاد مشکل داریم، جامعه ما فرهنگی نیست، ولی باز می‌توان کار کرد و جریانی را بوجود آورد و آن وظیفه ما کتابدارهاست. خانم عمادخراسانی فرمودند با من دوست نبودند، ما



حافظیان رضوی:

کتابدار کاری کرده
که بچه‌های نابینجار
کتابخوان شده‌اند و بعد
به کمک کتابدار آمده‌اند
و پشت میز کتابخانه
نشسته و کتاب امانت
داده‌اند

هنوز هم که هنوز است می‌ترسیم برویم جلوی میز کتابدار و اتفاقی بیفتد، یعنی اگر سؤالات زیاد شود چه اتفاقی می‌افتد، دفعات بعد به من خوشامد می‌گوید یا نه باز همین مسأله را دارم که ممکن است دفعه بعد اصلاً نتوانم از مجموعه استفاده کنم. ما وظیفه داریم که این فرهنگ را ایجاد کنیم و برایش راه حل بیاندیشیم. در انتها باید بگویم کتابخانه‌ها خیلی هزینه‌برند در یک بررسی که آقای دکتر هویدا در سال ۱۳۷۹ انجام داد، یک کتاب از زمانی که خریداری می‌شود تا وقتی که در قفسه قرار بگیرد در آن زمان ۴۸ هزار تومان هزینه می‌برد، یعنی به غیر از قیمت خود کتاب شامل نیروی انسانی، برق و ... می‌شود. این یک رقم کوچک است، ولی اگر مثلاً کتابخانه دانشکده حقوق را که سوخت در نظر بگیریم که دولت چندین میلیون تومان در اختیار آن‌ها گذاشت. این یک برآورد است و کتابخانه‌ها چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی جاهای بسیار گرانی هستند. حالا ما واقعاً در مورد این‌ها چه کارهایی کرده‌ایم که این امکانات در اختیار مراجعه‌کننده قرار گیرد. آیا هیچ آگهی تلویزیونی در مورد کتابخانه‌ها وجود دارد. تبلیغ در مورد پفک باعث شد که حتی الان بزرگ‌ترها هم می‌خورند. آیا کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌ها در کل نمی‌توانند یک چنین تبلیغی بکنند.

حافظیان رضوی: می‌خواستم بگویم کتابخانه‌ای استاندارد است که در آن کتابدار باشد، علتش هم این است که اگر شما خانم عمادخراسانی را که استاد بنده است با یک مجموعه کتاب در هر فضایی قرار دهید بعد از مدتی مشاهده می‌کنید که یک کتابخانه ایجاد شده است. آن‌ها در زندان‌ها، بیمارستان‌ها و کانون اصلاح و تربیت کتابخانه‌ها دایر کرده‌اند. کتابدار کاری کرده که بچه‌های نابینجار کتابخوان شده‌اند و بعد به کمک کتابدار آمده‌اند و پشت میز کتابخانه نشسته و کتاب امانت داده‌اند، این امر به نظر من خیلی مهم است. البته می‌دانم که کتابدار در کتابخانه چه جایگاه خاصی دارد. این موضوع در مورد امام جماعت مساجدی که رابطه‌اش با همه خوب باشد نیز صدق می‌کند. او حتی با بچه‌ها به کوه هم می‌رود، زیرا خودش را بعنوان محور فعال شدن مسجد می‌بیند. کتابدار هم یک چنین جایگاهی دارد. موضوع دیگر استفاده از رایانه‌هاست. من از موردی صحبت می‌کنم، تحت عنوان «هجمه رایانه‌ای» (استفاده درست از رایانه را منع نمی‌کنم) این هجمه آن هجمه‌ای است که مثلاً مغازه‌ای که دیروز آرایشگاه بود امروز با همان میز آرایشگاه چند رایانه در مغازه‌اش روی همان میزها گذاشته و بچه‌ها را نشانده و ... من به این هجمه می‌گویم. این دقیقاً مثل سریال‌های تلویزیونی است که فرد باید انتخاب کند، ولی او از صبح تا شب تمام سریال‌های همه کانال‌ها را می‌بیند. محتوای سریال برایش مهم نیست؟

جناب آقای مهندس رهنما فرد روی طرحی به سفارش «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور» درباره برنامه‌ریزی و استفاده درست از فناوری اطلاعات در کتابخانه‌های عمومی کار کرده‌اند، خواهش می‌کنم در این زمینه توضیحاتی ارائه فرمایند.
رهنما فرد: در چنین جمعی از نظرات اساتید در برنامه‌ریزی (طرح جامع) که مرتباً باید نو شود، کمال بهره را می‌برم، چرا که برنامه‌ریزی‌ای که ایستا باشد مسلماً اثربخش نیست.
جناب آقای حافظیان بدرستی اشاره کرده‌اند که نمادها و مظاهر فناوری اطلاعات در دنیا، در کشورمان و نیز در کتابخانه‌ها، همگی مشخص است.

بی‌تردید، قرار نیست اثبات کنیم که «باید» از فناوری اطلاعات و رایانه در کتابخانه‌ها استفاده کنیم یا از ضرورت آن سخن گوییم. نکته مهم آن‌است که این استفاده چگونه و با چه برنامه‌ای باشد و اولویتهای اجرایی این برنامه را چه چیزهایی تعیین می‌کنند. مشخصاً اگر قرار باشد از این فناوری در کتابخانه‌ها استفاده شود و در این میان، نگاه برنامه‌ای نداشته باشیم، برآیند کار، کلاف سردرگمی می‌شود که به اتلاف هزینه‌ها و حتی بروز آثار منفی در کتابخانه‌ها می‌انجامد. بدین صورت که انتظارات درست تعریف نشوند و مراجعه‌کننده انتظار دیگری از این ابزار در کتابخانه داشته باشد. مثلاً اگر نوجوانی نتواند همانند کافی‌نت‌ها بازی رایانه‌ای (گیم) را در محل کتابخانه انجام دهد (با همان داد و فریاد متناسب با آن فضا)، آن‌گاه تصمیم خواهد گرفت که دیگر به کتابخانه نیاید. با این همه، می‌توان از این ابزار به گونه مناسبی استفاده کرد و حتی در



رهنما فرد:

اگر قرار باشد از این فناوری در کتابخانه‌ها استفاده شود و در این میان، نگاه برنامه‌ای نداشته باشیم، برآیند کار، کلاف سردرگمی می‌شود که به اتلاف هزینه‌ها و حتی بروز آثار منفی در کتابخانه‌ها می‌انجامد

کتابخانه‌ها بازی‌های آموزشی قرار داد یا از بازی‌هایی بهره‌گرفت که به تقویت روح و فکر و روان همه مراجع کنندگان کمک می‌کند. گمان می‌کنم که حتی بزرگسالان نیز به بازی نیاز دارند؛ البته بازی‌هایی از سنخ دیگر و متناسب با خودشان.

به هر تقدیر تأکید می‌کنم که با توجه به سیاست‌ها و محدودیت‌های بودجه‌ای، فیزیکی و منابع انسانی (از جمله سطح تحصیلات و مدارک تحصیلی کارکنان و نیازهای مختلفی که دارند) و نیز علی‌رغم شرایط سخت کنونی (از لحاظ اعتبارات)، برای رسیدن به جامعه‌ای که محور آن خرد و دانایی باشد، همگی باید دست به دست هم دهیم و برنامه‌ای را تدوین کنیم که اجرا شدنی باشد و گامی به پیش بشمار آید. هراندازه بتوانیم از این محدودیت‌ها بکاهیم و یا آسان‌تر از آن‌ها بگذریم، زودتر به آن هدف اصلی می‌رسیم؛ یعنی جامعه‌ای دانایی محور و کشوری که در منطقه - با توجه به اهداف و چشم‌انداز بیست ساله کشور - در رتبه نخست ایستاده باشد.

بنابراین، هدف اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی است و فرآیندی که مجموعه دوستان ما پی می‌گیرند، ارائه پیشنهادهای قابل اجرا با کمک مسئولان کتابخانه‌های عمومی کشور است. این پیشنهادهای باید چنان باشند که به گفته یکی از همکاران مان، به جای آن که در قفسه کتابخانه خاک بخورند، بر روی میز مدیران اجرایی قرار گیرند.

با چنین رویکردی، به نظر می‌رسد که وضعیت کتابخانه‌های عمومی کشور از منظر فناوری اطلاعات چندان مطلوب نیست. البته طبیعی است که این گونه هم باشد. با توجه به تغییرات فراوان و زودگذر در فناوری‌های جدید - تا جایی که گفته می‌شود آن چه تغییر نمی‌کند، فقط خود تغییر است - بی‌گمان نمی‌تواند آن فرهنگ چهل یا هشتاد ساله حاکم بر کتابخانه‌های عمومی را به آسانی تغییر داد. این موضوع، یعنی ممکن نبودن تغییر سریع در فرهنگ کاربرد فناوری اطلاعات - در دیگر ارکان و اجزای کشور نیز صادق است. نباید انتظار داشت که فرهنگ مورد نظر ژرف، درونی و نهادینه شده باشد. از آن چه گفته شد، می‌توان دریافت که کتابخانه‌های کشور در استفاده از رایانه و ملحقات آن در وضع مناسبی به سر نمی‌برند. چه بسا ساده‌ترین بخش در فناوری اطلاعات تهیه سخت‌افزار، یعنی دستگاه رایانه، باشد تا مثلاً روی میز امانت هر کتابخانه قرار گیرد؛ اما در دیگر عرصه‌ها، از جمله چگونگی به‌کارگیری رایانه، ارتباط رایانه‌ها با یکدیگر، چگونگی استفاده مراجع کنندگان، اعضا، کارکنان و کتابداران از آن‌ها، میزان دانش و به‌کارگیری رایانه از سوی مدیران در سطوح نظارتی و ستادی، چند و چون بانک‌های اطلاعاتی و چگونگی راه‌اندازی آن‌ها و نیز دیگر مواردی که شمارشان هم اندک نیست، در سطح بسیار پایینی از بلوغ فناوری اطلاعات قرار داریم.

گفتنی است که کتابخانه‌های عمومی، در مقایسه با دیگر نهادهای کشور، شاید چندان عقب نباشند؛ به صرف این که مثلاً در محلی که پیش‌تر آرایشگاه بود اکنون چند دستگاه رایانه قرار گرفته و نوجوانانی مشغول بازی رایانه‌ای با آن‌ها هستند، نمی‌توان گفت که ضریب نفوذ رایانه در کشورمان بالاست.

به هر حال، احتمالاً در این جمع و جلسه، ارائه مجال اطلاعات جزئی درباره وضع موجود فناوری اطلاعات در کتابخانه‌های عمومی فراهم نیست، اما به‌طور کلی باید گفت که به‌منظور تأمین سخت‌افزار و شبکه باید بسیار فعالیت کنیم و اگر به این موضوع نپردازیم، در آینده دچار مشکلات فراوانی خواهیم شد، زیرا به‌هر روی زیرساخت و فونداسیون لازم را باید فراهم آوریم و نیازهای اولیه را پاسخ گوییم. برای مثال اگر بخواهیم شش‌ماه دیگر صبر کنیم تا محصول و فناوری جدیدی را که در اینترنت یافته‌ایم، با نصف هزینه فعلی تأمین کنیم، بی‌تردید شش‌ماه دیگر با دو برابر هزینه فعلی به هدف مورد نظر دست خواهیم یافت. این گونه است که تأکید می‌کنم درنگ نباید کرد و زیرساخت فنی مورد نیاز را با هر آن چه در دسترس هست، باید فراهم آورد؛ این روند به نوبه خود به جریان فرهنگ‌سازی کمک می‌کند. اگر رایانه به کتابخانه وارد شود، رفته رفته کتابدار با رایانه و شیوه الکترونیکی گردآوری داده‌ها مانوس می‌شود. برای نمونه به چگونگی اطلاع‌رسانی



ره‌نما فرد:
باید دانست دانایی ایجاد
نمی‌شود، مگر با اطلاعات؛
اطلاعات نخواهد بود،
مگر با پردازش داده‌ها؛ و
داده‌ها گردآوری نمی‌شوند،
مگر با به‌کارگیری
فناوری‌ها

در باره کارت هوشمند سوخت در سطح کشور توجه کنید. به دلیل وجود نگرانی‌های جامعه در باب سهمیه‌بندی شدن بنزین یا افزایش بهای آن، پیوسته اعلام می‌شود، هدف از اجرای این طرح تنها گردآوری آمار است. این نکته نشانگر آن است که هنوز عموم مردم به فناوری‌های نوین اعتماد ندارند و همین سخن درباره کتابداران نیز صادق است. به نظر من فارغ از آن که برنامه طرح جامع فناوری اطلاعات چه چیزی را توصیه خواهد کرد، باید اقدامات حداقلی (می‌بینیم) را انجام داد. هم‌گام با این روند، برنامه راهبردی و طرح جامع با توجه به آرای مشاوران و اساتید محترم، دست‌اندرکاران و مدیران اجرایی صاحب تجربه در دبیرخانه هیأت امناء و نیز نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، روشن خواهد کرد که کدام‌یک از فرآیندها باید مکاتیزه شوند، و چه نرم‌افزارها و برنامه‌های کاربردی باید روی این رایانه‌ها نصب شوند و از منظر فناوری تا چه حد و مرزی باید در کتابخانه‌ها پیش‌رفت. به سخن دیگر، در یک مدت مشخص به چه میزان از بلوغ می‌خواهیم برسیم. بنابراین، با توجه به اعتبارات و امکانات محدود ناگزیر از هدف‌گذاری هستیم. همه آن چه گفته شد، کلیاتی بود درباره فناوری اطلاعات و کتابخانه‌ها.

از ابتدای این میزگرد نکات مربوط به فناوری اطلاعات را از بین نظرهای اساتید گرامی یادداشت کرده‌ام و تقریباً به یقین می‌توان گفت که تنها راه حل معضلات پیش‌گفته استفاده از فناوری اطلاعات است. جناب دکتر حری بدرستی اشاره کرده‌اند که نمی‌توان یک‌شبه، یک ماهه و حتی پنج‌ساله منتظر تغییرات فرهنگی بود و برای این منظور باید دست کم یک نسل را پشت‌سر گذاشت. من نیز به تغییر تدریجی فرهنگ باور دارم، اما شاید با استفاده از ابزار فناوری اطلاعات بتوان این تغییرات را در زمانی کوتاه‌تر و چه بسا نیمی از عمر یک نسل ایجاد کرد. سرکار خانم عماد و خانم مکتبی‌فرد می‌گویند شمار کتابخانه‌ها در مقایسه با کافی‌نت‌ها اندک است. من در این زمینه بر آنم که به جای بردن کافی‌نت به کتابخانه، می‌توانیم با به‌کارگیری فناوری اطلاعات، کتابخانه را به کافی‌نت - البته نه با همه مجموعه‌اش - منتقل کنیم. در واقع، اجازه دهیم از که هرجا و در هر زمان، دسترسی به منابع اطلاعاتی امکان‌پذیر باشد. به گفته دقیق‌تر، اگر بخواهید در خانه مطالعه کنید، بتوانید از طریق این فناوری، منابع دیجیتال‌سازی شده را بخوانید.

این آرزوها دور از دسترس نیستند. امروزه با توجه به ارزان شدن سرویس‌های IT، خدمات‌دهی در حوزه فناوری اطلاعات بسیار آسان شده است. در گذشته نه‌چندان دور، مواضع و اعتقاداتی در میان بود که رسیدن به این سطح از فناوری اطلاعات در کشور امکان‌پذیر نیست، اما در حال حاضر با توجه به هدف‌گذاری کلان حکومت برای رسیدن به رتبه نخست در منطقه، در جایگاه جامعه‌ای



ملک احمدی:

مشکل اینجاست که سهم بخش فرهنگ در مقایسه با بقیه بخش‌های کشور اصلاً قابل ملاحظه نیست، حتی اگر آموزش را هم در قسمت فرهنگ در نظر بگیریم وضع مان خیلی بدتر می‌شود

دانایی محور در بیست سال آینده، باید دانست دانایی ایجاد نمی‌شود، مگر با اطلاعات؛ اطلاعات نخواهد بود، مگر با پردازش داده‌ها؛ و داده‌ها گردآوری نمی‌شوند، مگر با به‌کارگیری فناوری‌ها. به‌هرروی همگان باید به این سمت حرکت کنیم. در این میان، تنها کافی است برنامه‌ها را به این سمت سوق دهیم و سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌ها را در جای مناسب خود انجام دهیم. در این جلسه گفته شده است تجهیز کامل یک کتابخانه بسیار گران است؛ با این همه، می‌توان این روند را ارزان کرد باید کتابخانه‌های موجود و نیز کتابخانه‌های مدارس و مساجد را با هزینه کم - در برابر هزینه‌های گزاف ساخت و ساز و تجهیز- به این فناوری تجهیز کنیم. ناگفته پیداست که این موضوع، راه‌اندازی کتابخانه‌های جدید، از جمله کتابخانه‌های مرکزی استان‌ها را نفی نمی‌کند. کوتاه سخن آن که درباره فناوری اطلاعات این دید باید وجود داشته باشد که IT باید در کتابخانه‌ها نهادینه شود و البته در این باره نیز هم برنامه‌ریزی و هم هزینه شده است. اما لازم است فرصت‌های ارزشمند را از دست ندهیم؛ هرچه زودتر شروع کنیم، سریع‌تر به نتیجه می‌رسیم و اگر درنگ کنیم، نه تنها زمان از دست رفته را باید در انتهای برنامه جبران کنیم، بلکه دو سه برابر آن زمان را نیز باید هزینه کنیم تا دیر کردها جبران شود، زیرا در حوزه فناوری اطلاعات تغییرات بسیار سریع روی می‌دهند.

حافظیان رضوی: بعنوان یک ناظر بی طرف علاقه‌مند به کتابخانه‌های عموم باید عرض کنم، تحولاتی که در چند سال اخیر در کتابخانه‌های عمومی کشور اتفاق افتاده نسبت به گذشته بسیار قابل توجه است. از آقای مهندس ملک احمدی خواهش می‌کنم درباره فعالیت‌های دولت در زمینه کتابخانه‌های عمومی توضیحاتی ارائه فرمایید.

ملک احمدی: آقای دکتر حری فرمودند «سوخته‌دلان» این واقعیتی است. از تک تک دوستان که نقاط ضعف را مطرح کردند، تشکر می‌کنم. خوشبختانه در بیشتر جلسه‌های این چنینی چیزی به اطلاعاتم در مورد کتابخانه‌های عمومی کشور اضافه نمی‌شود. اگر قرار باشد از این مشکلات و قوانین بگویم به استناد همه مضبوطات و محفوظاتمان حداقل دبیرخانه کتابخانه‌های هیأت امنای بیشترین اطلاعات را در این باره دارد.

حدود ۳ سال و دو سه ماه است که خدمت دوستان هستیم. حدود ۳ سال پیش هم که من خدمت آقای حافظیان و آقای مهندس تقوی در جلسه‌ای بودیم، آنجا گفتم که باید یک کار اساسی بکنیم که خارج از این پراکندگی‌ها و روزمرگی‌ها به یک حرف اساسی برسیم. هنوز به آنجا نرسیده‌ایم پیش‌بینی ما این بود که خیلی زودتر به راه‌حل برسیم، اما قدم‌های خوبی را در همین عرصه برداشتیم که ان شاءالله دیر نشده باشد تا (طبق همان چیزی که آقای رهنما فرد فرمودند) در نهایت مجموعه‌ای را با تمام مسائل و مشکلات، فرصت‌ها و راه‌حل‌ها مشخص کنیم و یک چنین کاری را می‌توانیم انجام دهیم. من مدعی هستم که اگر بیشتر از دوستان ندانم کمتر از آن‌ها نمی‌دانم. من مدیری هستم که به طور متوسط به هر استانی ۳ بار رفته‌ام، یعنی حداقل ۹۰ سفر استانی و عمدتاً کار کتابخانه‌ای کرده‌ایم، نه تنها من بلکه مدیران مجموعه هم حضور فعال داشته‌اند و این ارتباط تاکنون هم وجود دارد و اگر هم نتوانستیم برای مسائل و مشکلات راه‌حلی ارائه دهیم، ولی آن‌ها را شنیده‌ایم. اما من این افتخار را دارم که از اولین ماه‌هایی که آمدم آن احساس نیاز را کردم و بارها هم گفته‌ام تخصص کتابداری ندارم، اما دوستانی که این تخصص را دارند بیایند و آن‌ها در میدان کار بکنند و به ما بگویند چه کار باید کرد، مبادا فردا روزی کسی ادعا کند که دعوت نشده است.

اما واقعیت این است که مشکلات کتابخانه‌ها شاید بیش از آنکه مشکلات اداری - مالی و بودجه و هیأت امنای و ... این‌ها باشد، مشکل مدیریت کلان است.

بحث کتاب و کتابخانه که آقای حاجی زین‌العابدینی فرمودند که نهادینه نشده است، باید بگویم این اتفاق نهادینه شدن در بین مدیران نظام اتفاق نیفتاده است، و الا فکر می‌کنم که برخورد با کتابخانه‌های عمومی در سطح کلان خیلی بهتر بود. هیأت امنای چه کسانی هستند؟ قانونگذاران

ترکیبی را برای هیأت‌امنا تعیین کرده‌اند، شامل ۵ نفر شخصیت حقوقی و ۵ نفر شخصیت حقیقی. حکم شخصیت حقیقی از بالاترین مقام کشوری صادر می‌شود، افرادی هم که هستند ممکن است به آن معنای خاص کتابدار نباشند، ولی عمدتاً افرادی هستند که سال‌ها در فرهنگ کار کرده‌اند و دلشان به طور جدی برای فرهنگ و نشر و کتاب می‌سوزد.

از اعضای هیأت‌امنا آقای دکتر شهیدی، خانم راکعی، آقای شعردوست، خانم معین تقوی هستند - که خودشان کتابدارند - و یکی از شخصیت‌های حقیقی‌شان من هستم که ظاهراً کمترین ارتباط را دارم.

ملک‌احمدی:

درست است که گفته می‌-

شود در جامعه اطلاعاتی

کتاب خیلی اهمیت

ندارد، اما معتقد نیستم

اگر کتاب نباشد راه‌های

جبرانی وجود دارد. کتاب

حتی در عصر فناوری

اطلاعات یک سرمایه

اصلی برای هر کتابخانه

محسوب می‌شود

در واقع اگر همه اعضای حقیقی هیأت‌امنا هم کتابدار بودند، اتفاقی بیش از این نمی‌افتاد. هر ۳-۲ ماه یک مرتبه جلسه هیأت‌امنا برگزار می‌شود و هیأت‌امنا در یک سال گذشته ۹ جلسه داشته است، یعنی غیر از این فاصله از خرداد تا ماه اخیر که همه جا تعطیل بود و کتابخانه‌های عمومی و هیأت‌امنا هم تعطیل بود، معمولاً بقیه ایام را یک جلسه در ماه داشته‌ایم، در صورتی که در وظیفه قانونی هیأت‌امنا ۴ ماه یک بار در نظر گرفته شده بود. همه صورت‌جلسه‌ها موجود است اگر فکر می‌کنید که طبق این صورت‌جلسه‌ها هیأت‌امنا می‌تواند جدی‌تر از این عمل کنند، من استقبال می‌کنم. تصمیمات بسیار جدی گرفته شده است، منتها مشکل اینجاست که سهم بخش فرهنگ در مقایسه با بقیه بخش‌های کشور اصلاً قابل ملاحظه نیست، حتی اگر آموزش را هم در قسمت فرهنگ در نظر بگیریم وضعیت خیلی بدتر می‌شود. یعنی آموزش و پرورش جایی را برای خودش دارد. آموزش عالی هم همین‌طور، اما وقتی نوبت فرهنگ به طور خاص (وزارت‌ارشاد) می‌رسد، اصلاً قابل مقایسه نیست. کسی هم به میدان نمی‌آید و حرکتی را شروع نمی‌کند. بنابراین ما که بخشی در طرح جامع با هم همکاری کرده‌ایم و بخشی مدیران اجرایی ما هستند، اگر از اینجا خارج شویم متوجه می‌شویم که در مجموعه کشور هیچ جایگاهی نداریم. اگر بر فرض ۲۰ نفر صاحب‌نظر هم بیایند که نه در زمینه اجرایی کار می‌کنند و نه مطالعاتی، ولی بالاخره حرفی برای گفتن دارند.

برخی از کتابدارهای کتابخانه‌های عمومی تا دو سال پیش ۴۰ هزار تومان دریافتی داشتند. من افتخارم این است که در حال حاضر خالص دریافتی هیچ کتابداری کمتر از ۱۸۰ هزار تومان نیست. من نمی‌خواهم بگویم که رقم خوبی است، اما بالاخره از حداقل قانون کار هم یکی دو قدم بالاتر رفته‌ایم و همین قسمت حدود ۸۰ درصد بودجه مجموعه نهاد کتابخانه‌های عمومی را می‌بلعد.

ما بقیه قسمت‌ها را تعطیل کردیم نه به جهت اینکه نمی‌دانیم چه کار باید بکنیم، اما معتقدم اصل این است که در درجه اول کتابدار حداقل حقوقش را دریافت کند. آمار کتابمان برای هر کتابخانه عمومی در قیاس با ۴۰ هزار عنوان نشر سالانه به ۶۰۰ کتاب در سال در کشور رسیده است، یعنی چیزی حدود ۳ درصد که باعث تأسف است. درست است که گفته می‌شود در جامعه اطلاعاتی کتاب خیلی اهمیت ندارد، اما معتقد نیستم اگر کتاب نباشد راه‌های جبرانی وجود دارد. بالاخره کتاب حتی در عصر فناوری اطلاعات یک سرمایه اصلی برای هر کتابخانه محسوب می‌شود. امروزه اگر شما به بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهانی هم بروید، از یک سو رایانه‌ها و از سوی دیگر قفسه‌های کتاب ردیف شده‌اند. دست کم هر کتابخانه‌ای یک حداقل‌هایی دارد. ما سالی ۶۰۰ جلد کتاب اضافه می‌کنیم، از طرفی دیگر سالی ۱۰۰۰ جلد کتاب و جین می‌کنیم.

بحث تجهیزات، ساختمان، فضا و نیروی انسانی که اصلاً بحثش را نفرمایید. من هم معتقدم که بحث نیروی انسانی بحث اصلی است، یعنی اگر هیچ چیز را نداشته باشیم، ولی نیروی انسانی با انگیزه داشته باشیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، منتها نیروی انسانی با انگیزه هم به سختی پیدا می‌شود. در نهایت برای اینکه کتابخانه‌ها این مشکل را حل کنند که کتابخانه‌ای ۶ ماه ساخته می‌شود و قفل و زنجیر می‌شود یا حتی گاهی به جایی می‌رسیم که شهردار یا فرماندار یک منطقه با ما مکاتبه می‌کند که این کتابخانه‌ای که ساخته شده، ولی دو سال است که افتتاح نگردیده، تبدیل به مرکز فساد شده است. بدین ترتیب برای اینکه از این وضع خلاص شویم سال‌های



حری:

آیا در مورد فرهنگ نباید تمام ارکان دولت درگیر باشند؟! وقتی که بحث از دخالت دولت می‌شود منظور اجرایی نیست، بلکه باید به صورت شبکه عمل کنند که نتیجه‌اش در کتابخانه‌های عمومی بروز یابد، این اصل قضیه است

گذشته رسم بر این بود که هر کس به هر میزانی که در توانش بود فرد دیپلمه‌ای را به اسم کتابدار می‌آورد که کلیه کارهای خدماتی و سرایداری همراه با کتابداری را انجام می‌داد و ماهی ۳۰، ۴۰ هزار تومان هم حقوق می‌گرفت. این مشکلات وجود دارد. سازمان مدیریت برای هر کتابخانه استاندارد ۴ نفر را بعنوان کتابدار مطرح می‌کند، ولی سال گذشته ۲/۵ نفر و امسال ۲/۲ نفر برای هر کتابخانه آن هم در دو شیفت کار می‌کنند. من در سازمان مدیریت اعلام کردم که ترجیح می‌دهم این کتابخانه‌ها تعطیل شوند، یعنی اگر در هر شهری ۴ کتابخانه وجود دارد دوتای آن تعطیل شود و نیروها و منابع و تجهیزاتش را در دو کتابخانه جمع کنند که حداقل آن دو تا کتابخانه یک حد قابل قبول داشته باشند. حال نمی‌دانم چه کار باید کرد که این مسائل را مسؤولان مربوطه بشنوند، اما به طور قطع قدم‌های خوبی برداشته خواهد شد. ای کاش از این جلسه‌ها بیشتر داشته باشیم. بحث فناوری اطلاعات در کتابخانه‌های عمومی یک جلسه اختصاصی می‌خواهد. بحث منابع در کتابخانه‌های عمومی، نیروی انسانی، تجهیزات، فضا و مدیریت در کتابخانه‌های عمومی، هر کدام یکی دو نشست را طلب می‌کند تا مشکلات شکافته شود و راه‌حل ارائه شود. این جلسه صرفاً فتح بابی است.

حری: من احساس کردم در این بحث‌ها سوء برداشتی شده است. ما «سوخته‌دلان» جمع شدیم و اصلاً غرضی نیست که همدیگر را استنطاق کنیم و بگوییم در چه موضعی بودیم و الان در چه موضعی قرار گرفته‌ایم. کار کتابخانه‌های عمومی نه موقوف به واحد مسؤول مدیریت کتابخانه‌هاست، نه مربوط به هیأت‌امنا و نه به نهاد واحدی مربوط می‌شود. آقای دکتر نیکنام اشاره کردند که شخصی برای تولید گیاه دارویی درگیر سه وزارتخانه هست. آیا در مورد فرهنگ نباید تمام ارکان دولت درگیر باشند؟! وقتی که بحث از دخالت دولت می‌شود منظور اجرایی نیست، بلکه باید به صورت شبکه عمل کنند که نتیجه‌اش در کتابخانه‌های عمومی بروز یابد، این اصل قضیه است. هم اکنون بحث نیازشناسی مطرح است، ولی بحث نیازسازی هم مطرح است و نباید بگوییم که سخت است. برای این مثال عذر می‌خواهم، مافیای مواد مخدر این را بهتر فهمیده نیازآفرینی می‌کند و خودش هم تأمین نیاز می‌کند. این دقیقاً باید در فرهنگ هم اتفاق بیافتد. اما مسؤول نیازآفرینی کیست؟

نظام آموزشی، خانواده است. این‌ها باید تعلیم ببینند اگر من می‌گویم ۲۰ سال برای حرکت فرهنگی لازم است و اگر شما بحث زیرساخت‌ها را هم مطرح کنید، بیش از ۲۰ سال زمان لازم است. اما یادمان باشد قرار نیست در زمان حیاتمان به نتیجه برسیم، ما باید فرهنگ را بسازیم. همه ما الان می‌دانیم که دانش‌آموزی که به کتابخانه مراجعه می‌کند یک تجلی خاص از آموزش و پرورش دارد، آن تجلی چیست که کتاب درسی‌ای را که برایش فراهم شده در آنجا بخواند؟ این دقیقاً نیازآفرینی آموزش و پرورش است که دانش‌آموز را برای مطالعه کتاب خودش به کتابخانه می‌فرستد. آموزش و پرورش باید به گونه‌ای نیازآفرینی کند که همین دانش‌آموزان بتوانند از منابع استفاده کنند تا گستره دانش را گسترش دهد و متکی بر متن واحد نباشد. این آن چیزی است که یک همکاری شبکه‌ای می‌طلبد. زمانی که ما عطش ایجاد کردیم، طبیعی است برای سیراب کردن آن‌ها هم فکری بکنیم، در این صورت باید ارگان‌ها بیایند و این را فراهم کنند. مردم کار بی‌هدف نمی‌کنند، شوخی ندارند. شما انتظار نداشته باشید کتابخانه‌ای در شهرک کوچکی برای کتاب تنسوق نامه مراجعه‌کننده‌ای داشته باشد، اما در همان کتابخانه‌ها کتاب‌هایی هستند که آنقدر استفاده شده‌اند که لایه اوراقشان برگشته است. این نشان‌دهنده این است اگر کتاب‌ها مطلوب باشند، افراد مراجعه خواهند کرد، اما اگر چیزهایی را بگذارید که آن‌ها نتوانند ارتباط برقرار کنند شما نمی‌توانید آن‌ها را مجبور کنید. وقتی بحث از کافی‌نت بعنوان یک عنصر منفی می‌شود، باید ببینیم فرد برای چه جذب آن‌ها می‌شود؟ عناصر جاذب چیست؟ که در کتابخانه ایجاد شود. اگر می‌توانم بازی رایانه‌ای بگذارم یا یک کتاب را بصورت مصور نشر دهم. در بحث کتابخانه‌های عمومی باید ما منابعی را به سفارش ارگان‌های مسؤول برای کتابخانه‌های عمومی تهیه کنیم.

اقتضای ما در کتابخانه‌های عمومی دانشجویها نیستند که همان کتابخانه را به صورت مشابه در کتابخانه دانشگاهی بخش کنیم. این مراجعه‌کنندگان اقشاری‌اند که هنوز باید با مبانی معرفت آشنا شوند، ما باید برای این‌ها خوراک تهیه کنیم و این خوراک را باید نظام نشر فراهم کند و این‌ها سیاست‌گذاری می‌خواهند. بحث این نیست که ما در مقابل یک جای کوچکی بعنوان هیأت امنای یا واحدهای ذی‌ربط قرار بگیریم بحث خیلی کلان‌تر از این صحبت‌ها است، بحث نظام فرهنگ جامعه است که هر کس که درگیر کار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است به اندازه سهمی که جامعه برایش تعیین کرده مسؤول است.



مکتبی‌فرد: در حال حاضر آنچه بعنوان کتابخانه عمومی با آن مواجه هستیم از دو سال پیش یک نهاد جدید شده است، ولی هیچ‌کدام از ما کتابخانه را در شکل جدید آن بعنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی ندیدیم. شاید ابتدای امر این یک مسأله چالش برانگیز باشد که یک کتابخانه عمومی چطور می‌تواند غیردولتی باشد، با توجه به اینکه در مانیفست یونسکو قید شده که کتابخانه‌های عمومی در دایره مستقیم اختیارات دولت‌های ملی و محلی هستند یا حتی وقتی به بحث بودجه‌شان اشاره می‌کند، می‌گوید باید یک بودجه مداوم کاملاً قابل اتکایی داشته که هیچ‌گونه نگرانی نداشته باشند و این بودجه به هیچ وجه کم و زیاد نشود و بدانند همیشه این بودجه در اختیارشان هست. من فکر می‌کنم کتابخانه‌های عمومی ما بیشتر یک نهاد فرمایشی در اختیار دولت‌ها بودند، برای اینکه یک‌سری باورها و عقاید را در جامعه جاری کنند. همان‌طور که خیلی از رسانه‌های جمعی ما به نوعی این‌گونه هستند، اما شاید زمانی که کتابخانه عمومی یک نهاد غیردولتی شود، اندکی از خطر کاسته شود و واقعاً در اختیار مردم قرار گیرد. این چیزی است که در محور دوم و سوم همین بحث هم مطرح شده است.

نکته مثبت دیگری که در آیین‌نامه جدید کتابخانه‌ها قید شده، بحث یکپارچه‌سازی کتابخانه‌های عمومی است که اگر عملیاتی بشود، بحث مهم و اساسی است. طبق گفته استاد حری همه باید درگیر شوند، ولی اگر بخواهیم در هر پدیده‌ای سروسامان باشد یک متولی، یک نهادی باید به طور مشخص پاسخگو باشد، مسؤلیت‌ش را برعهده بگیرد. اگر همه کتابخانه‌های مساجد، اوقاف، شهرداری‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد را یک نهاد تحت پوشش بگیرد، این امر نکته بسیار مثبتی خواهد بود.

بحث بعدی بحث بودجه است و آن تبصره‌ای که در ماده ۶ این آیین‌نامه مطرح می‌شود و آن نیم درصد از درآمد شهرداری‌ها است. اگر برای وصول این بودجه ضمانتی وجود داشته باشد، واقعاً در مورد کلان شهری مثل تهران ثروتی بیکران است. شاید در خصوص شهرهایی مثل آبادان که شهر فقیری است، صدق نکند. در حال حاضر پالایشگاه میلیون‌ها تومان به شهرداری بدهکار است و این‌ها وصول نمی‌شود. این‌ها از نظر من نکات مثبتی هستند که در این آیین‌نامه وجود دارند و خوب است که به آن‌ها توجه شود.

عمادخراسانی: حافظ می‌فرماید:

قدر وقت از نشناسد دل و کاری نکند بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

من متأسفم به خاطر اینکه نه قصد توهین به ساحت هیأت مقدس امنای داشتیم - بزرگوارانی که دارند تلاش می‌کنند - نه قصد منفی بافی داشتیم و نه قصد این بود که وقت را با گفتن چالش‌ها پرکنیم. اتفاقاً این خود فرصت‌ها بود. تا وقتی نتوانیم نور و ظلمت را در کنار هم قرار دهیم نه می‌توانیم نور را ببینیم و نه می‌توانیم از ظلمت رهایی یابیم [قرار هم نیست که هلهله بکنیم و تاج افتخار بر سر هم بگذاریم].

نکته بعدی، یکی از عزیزان گفتند که این فرهنگ جامعه است و کتابخوانی بین مردم نهادینه نیست و مردم به این سمت نمی‌آیند، چنین چیزی نیست. من خودم عضو همین جامعه هستم. اگر نواقص کتابخانه عمومی را می‌گویم به خاطر این نیست که بگویم نسبت به ۲ و ۳ و ۱۰ سال گذشته چقدر پیشرفت کرده و من نمی‌فهمم، به خاطر این است که ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم



عماد خراسانی:
ابزار بدهید، راه را هموار
بکنید، به خدا همه
عاشقانه به طرف
کتابخانه‌ها حرکت
می‌کنند

**مردم اگر به کتابخانه‌ها
نمی‌آیند، برای این است
که با خدمات کتابخانه
آشنا نیستند**

و متعلق به امتی هستیم که معجزه پیامبر خاتم الانبیا کتاب بود. (و لا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین). من متعلق به سرزمینی هستم به نام ایران با آن قدمت فرهنگی و آن افتخاری که به لحاظ علم و کتابت داشته است. ما باید به کتابخانه عمومی بعنوان یک محل درخور و شایسته نگاه کنیم. من که باشم که راجع به هزینه مسائل مالی - اداری و حق الزحمه و ... این‌ها اظهار نظر کنم. من به اهلیت و شایستگی ایرانی و اسلامیتم فکر می‌کنم، چرا ما را نمی‌بینید، چرا مسأله مردم را مطرح می‌کنیم. الان شما یک سری به منطقه منبریه بزیند «خانه کتابدار» را ببینید این نقطه خودجوش چه می‌کند. بچه‌ها، پدرها، مادرها، معلم‌ها، چرا مردم کتابخوان نیستند، چرا مردم فرهنگ‌زده هستند. اصلاً چنین چیزی نیست، ابزار بدهید، راه را هموار بکنید، به خدا همه عاشقانه به طرف این جور جاها حرکت می‌کنند. دین ما و قدمت تمدن ما می‌گوید. من در روزنامه چند روز پیش دیدم که راجع به تالار آیدانا که قدیمی‌ترین کتابخانه دنیا از آنجا شروع شده، نوشته بود از آن طرف در سال ۱۳۷۳ از همان حرف‌های قشنگ که کتابخانه‌های عمومی به دنبال افق‌های جدید برای توسعه و جذب جوانان است گفته می‌شد خوب است تکرار بکنید، ولی عمل هم بکنید. آیا شما در ۱۰ روز هفته کتاب «نمایشگاه کتاب» اسمی از کتابخانه‌ها شنیدید؟ با هر کسی که مصاحبه کردند گفتند قیمت‌ها گران است چون کاغذ گران است. آن یکی گفت چون پول نداریم در سبد خانواده جا نمی‌گیرد. اما بخصوص کسانی که در کار مالی - اداری تبحر داشتند هرگز نگفتند که کتابخانه‌های عمومی چه وظیفه‌ای در قبال تهیه و خرید کتاب مطلوب مردم دارند تا در اختیار مردم فقیر قرار دهد. خود سازمان مدیریت برنامه‌ریزی اعلام کرده که بیشتر ما در زیر شاخص فقر زندگی می‌کنیم. کتابخانه مساجد بسیار عالی است. من خودم در ایجاد کتابخانه محلمان در ابتدای انقلاب نقش داشتم، ولی الان راه نمی‌دهند، چرا؟ چون دو تا سؤال خارج از سنبله و فلافل که در آن کنارها می‌فروشد می‌کنم.

بیشتر بچه‌های کتابخانه‌های مسجد یا سرود یا خوشنویسی یا پرچم بلند کردن و سنج جمع می‌کنند یا فلافل و سنبله می‌فروشند حداقل من در محدوده خودم بین ۷ و ۸ مسجد قرار گرفته‌ام، اما این‌هایی که من می‌گویم چالش نیست فرصتی است که من رفتم دیدم و گزارش می‌کنم و می‌توان در مورد آن‌ها فکر و تصور کرد. اختلاف ما کتابدارها و متخصصان رایانه‌ها همیشه در این بود که ما همیشه به مظلوف خیلی اندیشیده‌ایم و متخصصان رایانه‌ها به ظرف خیلی توجه داشته‌اند. این نظر متخصصان رایانه است که سرمایه‌گذاری و تربیت فرهنگی برای نهادینه شدن را می‌توان خلاصه کرد، چون می‌گویند ما نرم‌افزار می‌دهیم، سخت‌افزار هم معرفی می‌کنیم، ولی مظلوفش چه می‌شود. آقای حاجی زین‌العابدینی به یک نکته جالب اشاره کردند که باید کتابخانه عمومی جواب همه چیز را بدهد. یعنی اگر من بخواهم از درمانگاه‌های نزدیک خانه‌ام اطلاع داشته باشم، اگر ساعات حرکت مترو را بخواهم یا راجع به مدارس اطلاعاتی داشته باشم، از کتابخانه عمومی سؤال کنم. این‌ها مظلوف‌سازی است و یکی از راه‌هاست. مردم اگر به کتابخانه‌ها نمی‌آیند، برای این است که با خدمات کتابخانه آشنا نیستند. مردم با خدمات ناوایی، قطعه‌سازی و تعمیرگاه، با شرکت واحد و درمانگاه آشنا نیستند مشکلی داشته باشند تماس می‌گیرند، اما هیچ کدام خدمات عمومی کتابخانه‌های کشورشان را نمی‌شناسند، حالا ما هر چه قدر هم فوق‌العاده باشیم. بدین ترتیب چگونه می‌توانند راجع به نبود، کمبود و مشکلاتش صحبت بکنند.

هاشمی: با توجه به صحبت‌هایی که شد ما سال‌ها درگیر جنگ و انقلاب بودیم و در عمل کتاب و کتابخوانی از حافظه جمعی ما خارج شده بود. تبلیغاتی نمی‌شد. ما در دور جدیدی برای سازندگی فرهنگی قرار گرفته‌ایم. یکی از بزرگان جامعه‌شناس می‌فرماید: انقلاب سیاسی طی چند ماه صورت می‌گیرد، انقلاب اجتماعی طی چند سال و انقلاب فرهنگی طی چند قرن صورت می‌گیرد. جناب آقای دکتر حری به طور بسیار خوشبینانه فرمودند ۲۰ سال طول می‌کشد ما نباید

عجول باشیم. من جایی شنیدم که بودجه فرهنگ و ورزش از اعتبارات ملی ما ۷ درصد است. اگر از این میزان ورزش را جدا کنیم من فکر نمی‌کنم بیش از ۲-۳ درصد سهم فرهنگ باشد. برای من خیلی عجیب بود با این شرایط کاری کتابخانه‌های عمومی هیأت امنای (نهادهای امنای) شاهکار است که کار می‌کنند. واقعاً اینکه ۱۵۸۰ کتابخانه دارند، شاهکار می‌کنند. اگر کتابخانه‌های مساجد کار می‌کنند، لطف خداست. ما به کارمندانمان حقوق نمی‌دهیم مگر مسجد بدهد، و الا دولت چیزی نمی‌دهد. بصورت رایگان خدمت می‌کنند، فضا را خودشان درست می‌کنند. کاری که ما می‌کنیم این است که کتاب و تجهیزات می‌دهیم و یک سری برنامه‌ریزی‌های کلان می‌کنیم و استانداردهایی را که تهیه کردیم در اختیارشان قرار می‌دهیم. به نظر من هر جایی که بتواند یک نفر را هم جذب کند، کتابخانه است. ما باید تعداد این‌ها را بیشتر کنیم. در استانداردهای ما حداقل فضای کتابخانه غیر از کتابخانه مساجد باید ۱۰۰ متر مربع باشد و گرنه آن را جزو آمار نمی‌آوریم و کتابخانه‌هایی که در کنارشان سمبوسه‌فروشی هست جزو کتابخانه‌های ما نیستند. کتابخانه‌هایی که فقط کار کتابخانه‌ای می‌کنند و حداقل ۱۰۰ متر مربع فضا دارند، کارمند دارند و زمان‌شان زمان اداری نیست که مثلاً بگوییم از ساعت ۸ تا ۱۴ باید کار کنید، به این دلیل که این‌ها محلی‌اند و باید با شرایط آن محل وفق داده شوند. بسیاری از دانش‌آموزان ما نمی‌توانند به کتابخانه‌های عمومی بروند، چون زمانی کتابخانه‌ها باز هستند که این‌ها سرکلاس‌اند. این مسائل را بررسی کردیم.

هاشمی:
ما در کتابخانه عمومی مان هفته کتاب نداریم. ما سال کتاب داریم از ابتدای سال تا انتهای سال کار می‌کنیم تمام برنامه‌هایمان را در هفته کتاب نمی‌گنجانیم
در «هفته کتاب» که مدارس بیایند و دانش‌آموزانشان را در کتابخانه‌های مساجد بصورت رایگان ثبت نام کنند، اما دریغ از یک دانش‌آموز که از یک مدرسه بخواهد بیاید

جناب آقای ملک‌احمدی فرمودند که بیش از ۹۰ سفر استانی داشته‌اند من هم همین تعداد به استان‌ها رفته‌ام. هم کتابخانه‌های خودمان و هم کتابخانه‌های هیأت امنای را دیده‌ام، مشکلات تقریباً یکسان است. تعریف کتابخانه از دید دیگر شاید این گونه باشد: کتابخانه عمومی خدمتی است که توسط یک حکومت محلی، یا یک نهاد و یک حکومت محلی اداره می‌شود. حکومت محلی ما شهرداری است آیا شهرداری‌ها به وظایفشان عمل کرده‌اند؟ آیا نیم درصد بودجه را در اختیار انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی گذاشته‌اند که شکل کتابخانه عمومی بگیرند؟ مشکلات زیاد است. اما این امکاناتی است که دارا هستیم. در حال حاضر در کتابخانه‌های مساجد ۳۱۲ هزار عضو برای ۱۲۷۵ کتابخانه داریم که ۸۳ درصد این اعضا زیر ۲۵ سال سن دارند. مردم به کتابخانه‌ها می‌آیند، ولی ما چه داریم به آن‌ها ارائه دهیم. ۶۰۰ جلد کتاب برای تغذیه کتابخانه کافی نیست. من بعنوان کتابدار از وضعیت کتابخانه‌های عمومی واقعاً ناراحتم. اما چه کار باید کرد، بعنوان خدمتگزار من این نظرات را جمع می‌کنم نظراتی که مخالف من است چالش من هست، ولی هر چه قدر این چالش‌ها گفته شود به طرف فرصت می‌رود و هر چه بیشتر تکرار شود به دنبال چاره می‌رویم. ما در کتابخانه‌های مساجد محور کار را بر روی کودکان قرار دادیم. گفتیم باید روی کودکان کار کرد تا ملکه ذهن کودک شود. من در خانه خودم برای بچه‌ام بیش از خودم کتاب می‌خرم به خاطر اینکه بچه باید اول کتاب را بخواند و وقتی بزرگ شد برایش عار نباشد که به کتابخانه مسجد، مقدس‌ترین جای موجود برود. من می‌گویم همان‌طور که باید با وضو وارد مسجد شد، باید با وضو وارد کتابخانه گردید. خوب ما راجع به کتابخانه‌های کودک در مساجد طرح دادیم. اسباب‌بازی‌های نشکن هم گذاشتیم تا بازی کنند و به امانت ببرند خانواده‌ها خیالشان راحت است و مانند مهدکودکی است.

خانم عمادخراسانی استاد بنده در مورد «هفته کتاب» ایراداتی گرفتند. در «هفته کتاب» حدود ۳۰ نفر عضو هست من و نماینده هیأت امنای کتابخانه عمومی کتابدار آن هیأت بودیم. بارها گفتیم از کتابداران، از انجمن کتابداران از شورای کتاب کودک و جاهای مختلف باید استفاده شود، اما متأسفانه این کار را نکردند. به هر حال حرف‌های کتابداران حرف‌های نوتری در این زمینه خواهد بود. در ستاد «هفته کتاب» صحبت از کتاب تا موقع چاپ می‌شود و بعد از چاپ کاری انجام نمی‌شود. ما در کتابخانه عمومی مان هفته کتاب نداریم. ما سال کتاب داریم از ابتدای سال تا انتهای سال کار می‌کنیم تمام برنامه‌هایمان را در هفته کتاب نمی‌گنجانیم و بگوییم که مثلاً در هفته کتاب گردهمایی داریم این گردهمایی بهانه است هر فصلی می‌توانیم این کار را انجام

دهیم. خوشبختانه نماینده هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی هم در آن هیأت نظرشان مشابه نظر ما بود، اما روی صحبتی که آقای حری فرمودند که ما در طول زندگی کلاسیک و کتابداریمان از نظرات ایشان استفاده کرده‌ایم در همین «هفته کتاب» و نیز در این جلسه عنوان کردیم که مدارس بیابند و دانش‌آموزانشان را در کتابخانه‌های مساجد بصورت رایگان ثبت نام کنند این کار یک جور هدایت بچه‌ها به طرف کتابخانه است. بیابند عضو بشوند و استفاده کنند، اما دریغ از یک دانش‌آموز که از یک مدرسه بخواهد بیاید. مشکلات ما فراتر از این مسائلی است، که اینجا مطرح می‌شود. این جلسه در واقع خیلی کوتاه است و جا دارد پیرو صحبت‌های جناب ملک‌احمدی بابت هر بخشی از کتابخانه عمومی یک جلسه گذاشته شود. البته باید اول اعتمادسازی کنیم و بعد ایجاد نیاز و انگیزه نماییم. آیا اخلاق و رفتار کتابدار در کتابخانه عمومی خوب است یا نه؟ اگر نه به چه دلیل؟ به دلیل اینکه شرایط بد کاری دارد. به دلیل اینکه آموزش ندیده است، ما در کلاس‌های کتابداری چیزی به این‌ها یاد نداده‌ایم. آیا ما اخلاق کتابداری را برای آن‌ها توضیح داده‌ایم که انتظار داریم اخلاق خوبی داشته باشند.

ما برنامه‌ریزی و فکر زیاد داریم، صورت جلسه‌های زیادی از این اتاق خارج می‌شود و فکرهای زیادی تولید می‌شود، اما عملی نمی‌شود. بنابراین در این جلسات ما هیچ مشکلی با کسی نداریم. **حافظیان رضوی:** تمام مسائل مطرح شده در نشریه کتاب ماه کلیات «ویژه‌نامه کتابخانه‌های عمومی» درج می‌شود و برای همه مدیران و کسانی که به نوعی مسؤول هستند، ارسال می‌شود. وقتی این تیترو زده می‌شود، کسانی که واقعاً مشکلات کتابخانه‌های عمومی را می‌دانند، صددرصد مورد توجه قرار می‌گیرد. هم اکنون صدا و سیما به جایی رسیده که پیشنهاد شده «شبکه کتاب» راه‌اندازی کند. یکی از بحث‌هایی که در صدا و سیما مطرح است، بحث شبکه کتاب است، یعنی کتاب و کتابخانه آنقدر ابعاد مختلف دارد که می‌تواند به یک شبکه خوراک دهد. در هر صورت ما خوشحال هستیم که شما حرف‌هایتان را براحتی زدید، رسالت ما هم این است که این گفته‌ها را مکتوب و مضبوط و منتشر کنیم. آقای دادرسی از نسلی هستند که به نوعی در کتابخانه عمومی نقش کاربر داشته‌اند. از ایشان می‌خواهم بعنوان یک کاربر اشاره‌ای به کتابخانه‌های عمومی داشته باشند؟

دادرسی: من تا زمانی که دانشجو بودم (یعنی از سال‌های ۷۱-۸۲) کتابخانه‌های عمومی حقیقتاً برای من محل آرامشم بود، یعنی در آن محله‌ای که زندگی می‌کردم هر وقت احساس می‌کردم که باید به جایی پناه ببرم و احساس تازه‌ای پیدا کنم و احتمالاً هر وقت که می‌خواستم به اطلاعات مورد نیازم دسترسی پیدا کنم به کتابخانه می‌رفتم. شور خاصی برای من می‌آفرید. این جایگاه والایی برای من بود، ولی الان با دیدگاه‌های جدیدم داستان خیلی متفاوت می‌شود. من به فضای فکری خودم و احساس خودم در رابطه با کتاب و کتابخانه اشاره خواهم کرد. به قول خانم عمادخراسانی کتابخانه برای ما چیز غریبی نیست، بلکه در خون و پوست اجدادمان در سال‌های خیلی دور در ایران باستان بوده و هست.

که کار خیر بی روی و ریا کرد

رادمهر: غلام همت آن نازنینم

کتابداران معمولاً وقتی جایی خلوت می‌کنند به صراحت با هم حرف می‌زنند که این صراحت لهجه دلیل بر اظهار بی ادبی نسبت به هیچ بزرگواری نیست. اولین کتابخانه با نام «بلدیه» در سال ۱۳۰۵ تأسیس شد پس چالش‌های ما مربوط به دو سه سال اخیر نیست. به رغم همه کارهایی که شده همه ما دستمان از دور بر آتش نیست من مدت‌های مدید در کتابخانه‌هایی که اشاره کردید بوده‌ام. کتابخانه حوزه علمیه تأسیس کردم، کتابخانه‌های مساجد و مدارس خیلی زیاد تأسیس کردیم. پس وقتی ما ایرادی می‌گیریم به خاطر این است که باید حرف بزنیم. انتظار من از کتابخانه‌های عمومی کشور این است که وقتی که در هر جای دنیا public library می‌زند ریز اطلاعات آن کشور را به این شکل به

من می‌دهند. بیمارستان‌ها، هتل‌ها، آژانس‌ها، برنامه‌های پرواز زمینی، هوایی، قوانین و مقررات شهرداری‌ها، چگونگی اخذ گواهینامه، گذرنامه، اطلاعات دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی، مراکز توریستی و آثار تاریخی، برگزاری حتی مسابقات ورزشی ... آیا این توقع زیادی است اگر زیاد است بگویید این کار را نکنیم! انتظار من این است که هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی بعنوان یک نهاد پرتال (Portal) درگاهی بشود که بتوان تمامی اطلاعات مربوط به کتابخانه‌های کشور را از آن دریافت کرد. علی‌رغم همه فعالیت‌هایی را که در این دو سه سال اخیر انجام گرفته نقض و نفی نمی‌کنیم و دست یاری به سوی آن‌ها دراز می‌کنیم. پیشنهاد من این است که اگر طرح‌های میان مدت داشته باشیم شاید تبلیغات کمی کرده‌ایم، شاید روابط عمومی نهاد باید بیشتر از این‌ها فعال می‌شد. در تابلوهایی که در خیابان‌ها است ما هیچ نمودی از کتابخانه‌های عمومی ندیدیم. ایراد هم به خود من و هم همه جمع وارد است. موارد که ما اشاره کردید، هم فرصت بود و هم چالش.

ثابتی صنعت: من بعنوان مسؤول روابط عمومی نهاد باید بگویم که اگر قرار باشد این جلسات بصورت مکتوب روی میز مدیران برود مباحث باید تخصصی‌تر، ریزتر، عمیق‌تر، گسترده‌تر و چالش‌ها و نقدها خیلی عمیق‌تر از این جلسه باشند. اما در رابطه با اینکه تبلیغات باید بشود. از طریق رسانه‌های تصویری و نوشتاری و میدانی و محیطی تبلیغات نیاز به یک سری اعتبارات دارد که تا این اعتبارات تأمین نشود، نمی‌توان حتی یک کاغذ به دیوار زد. من روزی که وارد مجموعه کتابخانه‌ها شدم (۲۰ سال هست در عرصه فرهنگ هستم) احساس می‌کنم که شما باید حق بدهید که کار فرهنگی کار خزانده است باید آرام صورت بگیرد و نتیجه را باید بعد از مدت طولانی بدست آورد. اشاره‌ای که شما در مورد کتابخانه بلدیه و آپادانا کردید آن‌ها امروز فخر فرهنگی ما هستند. ما اگر قرار باشد که از کتابخانه‌ها بصورت چند منظوره استفاده کنیم جای کار هست، ولی باید فکر کنیم راهکارهایش را پیدا کنیم. همه کسانی که اینجا هستند دردمند و علاقه‌مندند و این علاقه را باید مبنای ادامه کار برای رفع چالش‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید دانست. فکر می‌کنم که (در رابطه با شبکه کتاب) باید بگوییم به طور قطع رسانه ملی شما از پول نمی‌گذرد آن‌ها تلاش می‌کنند که به مردم بگویند جنس غیراستاندارد نخرید صدا و سیما (رسانه ملی) حتی حاضر نیست برای استاندارد تبلیغ مجانی کند و ما می‌بینیم که مشکلات این‌طوری هم داریم.

حالا کتاب و کتابخوانی عرصه گسترده‌ای است و ما تلاش و بسترسازی می‌کنیم که فکر و اندیشه آن‌ها را به سمت و سویی ببریم که ارتقای فکری پیدا کند آن رسانه گوشش بدهکار نیست و می‌خواهد دست به کاری بزند که به آن پول بدهند. چون می‌خواهد به ۲۶ هزار نفر آدمی که استخدام کرده پول بدهد، دولت گفته خودکفا بشود. در جلسه‌ای که ما با مسؤولان بالا و قائم مقام صدا و سیما داشتیم آن‌ها می‌گفتند که درآمدتان را باید خودتان تأمین کنید تبلیغاتی که در سال‌های گذشته ۱ تومان بوده الان ۱۵ تومان شده است و آن‌ها باید این رقم‌ها را بگیرند تا بتوانند ۲۶ هزار نفر را اداره کنند.

حافظیان رضوی: بهر حال آنچه در این نشست مورد اجماع همه عزیزان است، اهمیت و نقش کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگ اجتماعی است. سرمایه‌گذاری در این امر بدون شک باید جدی، بنیادی و بلندمدت باشد. پی افکندن این کاخ بلند فرهنگی بدون همت جمعی امکان‌پذیر نیست. درد فرهنگ فقط با فرهنگ درمان می‌شود. کار فرهنگی هنر و تخصص اهل فرهنگ است و شعاع در این مهم خیلی زود کمرنگ می‌شود.

امیدوارم سهم کوچک خود را در توسعه کتابخانه‌های عمومی ایفا کنیم و فردا در حیات آینده جامعه سربلند باشیم. از حضور فعال و اندیشمندانه و صد البته دردمندانه شما تشکر می‌کنم.

با توجه به مسائل عنوان شده اینک نظریات معاون امور کتابخانه‌های نهاد کتابخانه عمومی را که برای این نشریه بصورت مکتوب ارسال شده است، ارائه می‌گردد.

کتابخانه، مطالعه کتاب و موانع و راهبردهای بهینه‌سازی

• حمیدرضا چاکری

معاون امور کتابخانه‌ها و انجمن‌ها

دوره‌های مختلف زمانی (روز، هفته، ماه و سال) در جامعه حاکی از این است که تا چه اندازه در مرحله آشفته‌گی اطلاعاتی قرار داریم و تعجب‌انگیزتر آن که برای یافتن پاسخ دقیق و مطمئن چرا اقدام جدی نمی‌کنیم؟ هر ده سال یک بار به سراغ سرشماری می‌آییم و از تعداد نفوس و مسکن آگاه می‌شویم. به کارگاه‌ها سر می‌زنیم و مزارع و کشتزارها و کارخانه‌ها را بررسی آماری می‌کنیم. اما بطور سازمان یافته سراغ چگونگی وضعیت فرهنگ معنوی نمی‌رویم تا ببینیم در چه وضعی هستیم؟ مسائل و مشکلات کدامند؟ شدت هر یک از مسائل تا چه میزانی است؟ در ذیل سعی می‌شود پس از برشمردن موانع، راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود موضوع ارائه شود.

شناسایی موانع طرح، راهکارها و پیشنهادها

در این بخش ابتدا موانع موجود در خانواده، نظام تعلیم و تربیت و مدارس و اجتماع براساس جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده فهرست شده است و سپس راهکارها و پیشنهادها مطرح می‌شود.

الف - خانواده

موانع موجود

۱. آشنا نبودن کودکان با مطالعه در خانواده
۲. اختصاص نیافتن وقت مناسب در منزل برای مطالعه کودکان
۳. عدم استفاده خانوارها از ابزار قصه و داستان
۴. حاکم بودن رسانه‌های دیداری و شنیداری بر فضای خانواده به جای حاکم بودن فرهنگ مطالعه
۵. در دسترس و مهیا نبودن امکانات لازم در منزل برای مطالعه افراد خانواده
۶. توجه ناکافی اولیای خانواده به اهمیت کتاب و مناسب ندانستن آن بعنوان یکی از بهترین هدایایی که می‌توان به فرزند خود در مناسبت‌های مهم اهدا کرد.
۷. مرسوم نبودن شیوه قصه‌خوانی از روی کتاب در خانه

مقدمه و طرح موضوع

با وجود تنوع رسانه‌ها و افزایش تعداد ابزارهای فرهنگی در این جهان رسانه‌های شده، کتاب از جایگاه خاصی برخوردار است. اهمیت این ابزار در کارکرد آن در جهان اطلاعاتی و دنیای اقتصادی مبتنی بر دانایی محوری است. علاوه بر آن، کتاب و مطالعه، نمادی از میزان فرهیختگی جوامع است. همچنین مطالعه بطور عام و مطالعه کتاب بطور خاص از ابزارهایی است که زمان فراغت شهروندان را تکمیل می‌نماید و این دارای اهمیت برجسته‌ای است. شمارگان و تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده از شاخص‌های توسعه فرهنگی محسوب می‌شود.

جامعه ایران با برخورداری از پشتوانه کهن تاریخی و بهره‌مندی از فرهنگ غنی و تلفیق تمدن اسلام و ایران در تولید آثار مکتوب توسط دانشمندان و صنعت چاپ و خط و نیز هنر تزیین کتاب از جایگاه ممتازی در تمدن اسلامی برخوردار بوده است. خوشبختانه این پیشگامی در زمان کنونی نیز در عرصه کتاب و تولید آن استمرار یافته است. بطوری که انتشار کتاب در دوره زمانی ۲۴ ساله ۱۳۵۷ - ۱۳۸۳ یعنی پس از انقلاب اسلامی و کسب جایگاه دوازدهم تا بیستم در سال‌های اخیر حاکی از این مطلب است. روی دیگر این موضوع شمارگان کتاب‌های منتشر شده است که تناسب چندانی با تعداد عناوین ندارد. شمارگان محدود و عمدتاً زیر پنج هزار نسخه حاکی از تقاضای محدوده کتاب در بازار فرهنگ است که در گستره پهناوری چون جغرافیای ایران با جمعیتی حدود هفتاد و پنج میلیون نفر که در آن زندگی می‌کنند چندان رضایت‌بخش نیست. نمای دیگر این موضوع بررسی میزان مطالعه است که هر شهروندی تا چه میزان به سراغ کتاب یا هر رسانه مکتوب و مضبوط دیگر می‌رود و اوقات خویشتن را با این رسانه غنی می‌سازد؟ یافتن پاسخ سؤالاتی از این قبیل در نگاه اولیه آسان به نظر می‌رسد. اما تأمل و غور کردن در آن مشکلات را پدیدار می‌سازد.

بیان‌های غیرمستند از میزان مطالعه از ۲ دقیقه تا ساعت‌ها در

۵. افزایش سهم خلاقیت در برنامه‌های آموزشی
۶. حذف برنامه، اجرای خرید کتاب از مرکز و جانشین کردن سیاست ارشاد و راهنمایی به جای آن
۷. ایجاد بانک اطلاع‌رسانی موضوعی ویژه دانش‌آموزان

ج - مراکز آموزشی و مدارس

۱. فقیر بودن کتابخانه‌های مدارس از لحاظ کتاب و نشریات ادواری و امکانات لازم در کتابخانه
۲. قدیمی بودن کتاب‌های کتابخانه مدارس
۳. فرسوده و پاره بودن تعداد قابل ملاحظه کتاب‌های مدارس
۴. نامناسب بودن محل استقرار کتابخانه
۵. نامناسب بودن فضای فیزیکی کتابخانه به لحاظ فضا، نور، رنگ، نداشتن سالن مطالعه، میز و صندلی مطالعه
۶. نبودن فعالیت‌های جنبی و جذاب در برنامه کار
۷. توجه نکردن معلمان و کارکنان مدارس به کتاب و تشویق دانش‌آموزان به مطالعه
۸. عدم انگیزه دانش‌آموزان و کارکنان مدارس برای مطالعه و کتاب‌خوانی
۹. کمبود وقت فراغت دانش‌آموزان با عنوان مطالعه و کتاب‌خوانی در برنامه درسی مدارس
۱۰. اختصاص نداشتن درس مشخصی با عنوان «مطالعه و کتاب‌خوانی» در برنامه درسی مدارس
۱۱. ناکافی بودن تبلیغات در زمینه استفاده از کتاب
۱۲. بهره‌مند نشدن از روش‌های علمی و مطلوب برای اداره کتابخانه‌های مدارس
۱۳. فقدان ساعت قصه و کتاب‌خوانی و خلاصه‌نویسی کتاب در مدارس
۱۴. ناکافی بودن مسابقات کتاب‌خوانی و خلاصه‌نویسی دانش‌آموزان
۱۵. نبودن جلسات نقد و بررسی کتاب با حضور دانش‌آموزان
۱۶. فقدان جشن کتاب در مدارس
۱۷. مرتبط نبودن درس اثنا با کتاب و مطالعه آن
۱۸. نامناسب بودن محیط کتابخانه‌ها در فضای مدارس
۱۹. کمبود تعداد کتابداران در مدارس
۲۰. عدم توجه جدی مدیران مدارس به مسائل و مشکلات و نیازهای کتابخانه

راهکارها و پیشنهادها

۱. غنی کردن کتابخانه‌های مدارس از نظر تعداد و تنوع کتاب‌ها
۲. گنجیندن فعالیت‌های جانبی و جذاب در برنامه کتابخانه
۳. تشویق دانش‌آموزان به مطالعه از سوی معلمان و کارکنان

۸. اختصاص نداشتن بودجه عمومی مشخص از درآمد خانواده برای خرید کتاب و مطالعه آن

راهکارها و پیشنهادها

۱. برنامه‌ریزی والدین برای آموزش چگونگی مطالعه
۲. ایجاد محدودیت در استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری و اختصاص وقت مناسب برای مطالعه و نظارت بر اجرای آن
۳. در دسترس قرار دادن کتاب و تهیه امکانات لازم
۴. خواندن کتاب توسط پدر و مادر برای افراد خانواده در ساعت‌های مشخص از هفته
۵. اختصاص بودجه مشخصی از درآمد خانواده برای خرید کتاب به منظور مطالعه و هدیه به دیگران
۶. احیای فرهنگ اهدای کتاب بعنوان بهترین و مناسب‌ترین هدیه در مناسبت‌های مختلف
۷. تشویق خانواده‌ها به بیان قصه و داستان از طرف کودکان

ب - نظام تعلیم و تربیت کتاب

موانع موجود

۱. مشخص نبودن جایگاه کتاب و کتابخانه در مدارس
۲. محدود شدن کتابخانه مدارس به کتاب‌های درسی
۳. کم رنگ بودن جایگاه تحقیق و مطالعه در مدارس
۴. حاکم بودن نظام تک کتابی در مدارس
۵. آگاهی ناکافی مدیر، معلم و دبیر از جایگاه واقعی کتابخانه و کتاب در فرآیند آموزش
۶. نداشتن نظام اطلاع‌رسانی کارآمد درباره کتاب بر حسب مقتضیات سن و دوره تحصیل دانش‌آموزان و معلمان
۷. عدم توجه کافی به موضوعات کتاب و کتاب‌خوانی در دوره ابتدایی با هدف ایجاد شوق به خواندن و عادت به مطالعه بعنوان یک هدف اساسی نظام آموزش
۸. عدم نیازسنجی از دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران آموزش درباره مقوله کتاب

۹. راهکارها و پیشنهادها

۱. ترسیم جایگاه کتاب در فرآیند یاددهی و یادگیری
۲. گنجاندن کتابخانه بعنوان یک واحد و عنصر ضروری مدرسه بالاخص در سیاست‌ها و برنامه‌های اداره کل نوسازی و تجهیز مدارس
۳. حرکت به سمت نظام چند متنی در آموزش به جای دوره تک متنی
۴. تغییر روش مطالعه یک موضوع برای چند بازار کتاب درسی به مطالعه، یک موضوع از چندین کتاب

- مدارس
۲. ناکافی بودن تعداد کتابداران در مدارس (بالاخص در دوره ابتدایی)
 ۳. ناکافی بودن دانش و مهارت کتابداران مدارس
 ۴. پایین بودن درجه سلامت جسمی و روانی کتابداران فعلی در مدارس
 ۵. پایین بودن میزان علاقه، انگیزه، تحرک و پویایی کتابداران
 ۶. کیفیت نامناسب ارتباط و برخورد با مراجعان
- مدارس
۴. ایجاد انگیزه مطالعه در میان دانش آموزان و کارکنان مدارس با برگزاری مسابقات گوناگون
 ۵. گنجاندن ساعت درس «مطالعه و کتابخوانی»، در برنامه درسی (با تأکید بر مطالعه گروهی)
 ۶. تبلیغات فراوان در مدارس برای جلب توجه دانش آموزان
 ۷. تلاش و اهتمام کافی در جهت باز بودن کتابخانه مدرسه در طی هفته
- مدارس
۸. وجین کردن کتابخانه مدارس از کتابهای قدیمی
 ۹. اصلاح و بازسازی کتابهای فرسوده و پاره
 ۱۰. افزایش ارتباط بیشتر مدارس با کتابخانههای دیگر (تفاهم نامه همکاری بین مدارس و کتابخانهها تنظیم شود)
 ۱۱. بکارگیری روشهای جدید و علمی در اداره کتابخانه (نظام مدیریت کتابخانه و اطلاع رسانی از طریق رایانه انجام شود)
 ۱۲. قصه خوانی و کتابخوانی در کلاسها توسط مربیان
 ۱۳. برگزاری جلسه نقد و بررسی کتاب در مدارس
 ۱۴. پیوند دادن مطالعه و کتابخوانی با درس انشا
 ۱۵. استفاده از مکانهای مناسب برای کتابخانه و بکارگیری نیروهای متخصص و آشنا به کتابداری
 ۱۶. توسعه و بهینه سازی آموزش کتابداران
 ۱۷. ایجاد و توسعه رشتههای تربیت معلمی کتابداران
 ۱۸. ایجاد جاذبه رشته و شغل کتابداران در نظام آموزشی
 ۱۹. افزایش مجلات و روزنامهها در کتابخانههای مدارس
 ۲۰. پیش بینی توسعه و رشد کتابخانههای مدارس و مطالعه
 ۲۱. برخورد جدی تر و تنظیم برنامه منظم نسبت به خانواده و پیش بینی برنامههای برای تشویق اولیا به مطالعه
 ۲۲. کاهش تکالیف منزل دانش آموزان و جانشین کردن کتاب و مطالعه به جای بعضی از آنها
 ۲۳. بازدید دانش آموزان از مراکز انتشاراتی و چاپخانهها
 ۲۴. اجرای نمایشنامه و متون براساس کتابها
 ۲۵. استفاده بیشتر از داستانهای مصور در دوره ابتدایی
 ۲۶. استفاده از کلمه کتاب و کتابخانه در آموزش حرف «ک» در سال اول ابتدایی
 ۲۷. گنجاندن مطالب مناسب درباره کتابخانههای بزرگ جهان در درس زبان انگلیسی دوره راهنمایی و متوسطه
 ۲۸. فعال کردن تعاونی مدارس در امر کتاب
- مدارس
۲. ناکافی بودن تعداد کتابداران در مدارس (بالاخص در دوره ابتدایی)
 ۳. ناکافی بودن دانش و مهارت کتابداران مدارس
 ۴. پایین بودن درجه سلامت جسمی و روانی کتابداران فعلی در مدارس
 ۵. پایین بودن میزان علاقه، انگیزه، تحرک و پویایی کتابداران
 ۶. کیفیت نامناسب ارتباط و برخورد با مراجعان
- راهکارها و پیشنهادات
۱. تجدیدنظر در جایگاه کتاب و کتابخانه و کتابدار در نظام اداری و استخدامی
 ۲. تعریف کردن کتابدار در ساماندهی نیروی انسانی
 ۳. گنجاندن رشته تربیت معلم
 ۴. برقراری آموزشهای پودمانی بویژه برای کتابداران
 ۵. آموزش شیوههای ارتباط با مراجعان ویژه کتابداران
- هـ- رادیو و تلویزیون و رسانه های گروهی
- موانع موجود
۱. کافی نبودن تبلیغات در خصوص کتاب و مطالعه
 ۲. پوشش ندادن اخبار مربوط به کتاب و کتابخانهها
 ۳. نبودن برنامههای معرفی، نقد و بررسی کتاب در برنامههای روزانه و هفتگی تلویزیون
 ۴. خالی بودن برنامه آشنایی با نویسندگان در تقویم روزانه و هفتگی رادیو و تلویزیون
 ۵. فقدان مسابقات کتابخوانی در برنامهها
- راهکارها و پیشنهادات
۱. داشتن تبلیغات گسترده پیرامون کتاب
 ۲. پوشش خبری کلیه رویدادهای کتابخانه و مسائل مربوط به کتاب
 ۳. گنجاندن برنامههای معرفی، نقد و بررسی در رادیو و تلویزیون
 ۴. تهیه و نمایش برنامه آشنایی با نویسندگان بر مبنای آثار آنها
 ۵. معرفی کتابهای جدید
 ۶. اختصاص برنامههای ویژه برای رسانه های تصویری و شنیداری
 ۷. به تصویر کشیدن زندگی نویسندگان
 ۸. معرفی شخصیت های علمی مؤلفان بعنوان شخصیت های مؤثر بر جامعه
- و- کتابخانه های عمومی
- موانع موجود
۱. تعریف نشدن کتابدار بعنوان یک عنصر آموزشی در نظام آموزش و پرورش کشور
- د- کتابدار در آموزشگاه
- موانع موجود
۱. تعریف نشدن کتابدار بعنوان یک عنصر آموزشی در نظام آموزش و پرورش کشور

۱. فقر منابع علمی و فقدان کتاب‌های مرجع به حد کافی در کتابخانه‌های عمومی
۲. منطبق نبودن کتابخانه‌های عمومی با استانداردهای موجود
۳. کمبود کتاب‌های جدید
۴. کافی نبودن سالن‌های مطالعه در کتابخانه‌ها
۵. نامناسب بودن امکانات در کتابخانه‌ها برای استفاده خواهران
۶. جذاب نبودن برنامه‌های کتابخانه‌های عمومی
۷. نداشتن فعالیت‌های جانبی
۸. کمبود کتابخانه و نبودن کتابخانه ویژه گروه‌های سنی مختلف در سطح جامعه

۲۱. انحصاری بودن توزیع کاغذ در دست دولت
۲۲. محدود بودن تعداد ناشران مستقل
۲۳. عدم تناسب کافی محتوای کتاب‌های چاپ شده با انتظارات و خواسته‌های مردم
۲۴. غلبه داشتن فرهنگ شفاهی بر فرهنگ کتبی
۲۵. کاهش منزلت خردگرایی در بین مردم
۲۶. جایگزینی شیوه‌های خرید کسب اطلاعات
۲۷. پر مشغله بودن مردم
۲۸. حاکم شدن نظام ارزشی مادی

راهکارها و پیشنهادهای

۱. پرداخت یارانه از سوی دولت برای پایین آوردن قیمت انجام شده کتاب
۲. حمایت دولت از دست‌اندرکاران تألیف و تولید کتاب
۳. تلاش ملی برای از بین بردن بی‌سوادی به منظور بالا بردن میزان معدل مطالعه در کشور
۴. تولید کتاب ویژه افراد نوسواد یا کم‌سواد با حمایت دولت برای آشنا ساختن آنان با کتاب و مطالعه
۵. ایجاد امکانات مناسب در محیط‌های گوناگون برای مطالعه
۶. اصلاح ساختار آموزش و حرکت به سوی تحقیق توسط دانش‌آموزان و دانشجویان
۷. حمایت از چاپ کتاب‌های جیبی و همراه
۸. ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی در زمینه کتاب
۹. ایجاد کتابخانه‌های سیار در روستاها و مناطق دورافتاده کشور
۱۰. ایجاد سازمان نهضت کتابخوانی و مطالعه بعنوان متولی امور مربوط به کتاب و کتابخوانی
۱۱. آسان کردن شرایط تولید و تألیف کتاب با از میان برداشتن قوانین دست و پاگیر
۱۲. تقویت کتابخانه‌های مساجد و حمایت از برنامه‌های آنها
۱۳. پیش‌بینی بودجه مناسب در ادارات برای توسعه کتابخانه‌ها و برنامه‌های جانبی
۱۴. اصلاح ساختار توزیع کتاب و رسانیدن آن به مناطق دور دست
۱۵. تشویق خانواده‌ها به مطالعه توسط روحانیون مناطق دورافتاده کشور
۱۶. توسعه مراکز فرهنگی و تأسیس کتابخانه‌های جدید
۱۷. تأسیس تلفن گویا به منظور در اختیار قرار دادن آخرین اخبار مربوط به کتاب
۱۸. ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت نشریات
۱۹. ایجاد شورای عالی مطالعه ویژه کتاب
۲۰. تأسیس باشگاه کتابخوانی و مطالعه و حراج فصلی کتاب

ز - اجتماع

موانع موجود

۱. گرانی کتاب
۲. ناکافی بودن حمایت دولت از دست‌اندرکاران نشر، تألیف و تولید کتاب
۳. بالا نبودن میزان باسوادی بویژه در مناطق روستایی و مطالعه
۴. توجه نداشتن بخش عظیمی از مردم به کتاب و مطالعه
۵. فراهم نبودن و ناکافی بودن امکانات برای مطالعه
۶. معیوب بودن ساختار آموزشی کتاب و تأکید بر حفظ مطالب به جای تحقیق، تفحص و درک مطالب کتاب
۷. ناکافی بودن تولید کتاب‌های جیبی و ارزان قیمت در مقیاس وسیع
۸. نبود شبکه‌های اطلاع‌رسانی و بانک اطلاعاتی در خصوص کتاب
۹. فقدان کتابخانه‌های سیار
۱۰. در دسترس نبودن کتابخانه‌های عمومی و کتاب برای قشرهای مختلف بویژه روستاییان و کارگران
۱۱. وجود قوانین نسبتاً سختگیرانه در تولید و تألیف کتاب
۱۲. نبودن برنامه جامع به منظور ترویج فرهنگ مطالعه
۱۳. ضعیف بودن کتابخانه‌های مساجد از لحاظ امکانات (سالن قرائت‌خانه، میز و صندلی و...)
۱۴. ناکافی بودن کتابخانه‌های ادارات و کمبود کتاب در کتابخانه‌های مذکور
۱۵. معیوب بودن نظام توزیع و نرسیدن کتاب به مناطق دورافتاده کشور
۱۶. فعال نبودن روحانیون در زمینه تشویق مردم به مطالعه
۱۷. ناکافی بودن تعداد مراکز فرهنگی
۱۸. نیاز به تلفن گویا و راهنمای کتاب
۱۹. کمبود نشریات ویژه کتاب در جامعه
۲۰. با صرفه نبودن فعالیت در زمینه تولید و نشر کتاب